



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عزیزان
علیهم الصلوات
والتحیات

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

علی اکبر مہندی پور

تعمیرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تنها راه

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

حبل المتین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	تنها راه
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	مقدمه
۱۳	انتظار فرج
۱۳	اشاره
۱۳	۱. گلوآزه ی انتظار
۱۴	۲. گلوآزه ی فرج
۱۸	عوامل تأخیر در امر فرج
۲۶	داستان بنی اسرائیل
۲۶	اشاره
۲۸	اعتبار سندی حدیث
۲۹	احادیث فضل بن ابی قره در کتب اربعه
۳۰	توثیق فضل بن ابی قره
۳۴	راویان حدیث از فضل بن ابی قره
۳۵	هویت فضل بن ابی قره
۴۰	«ساره» یا «بِساره»؟
۴۱	پیام کلام امام علیه السلام
۴۴	چرایی حرمت توقیت
۴۷	تأثیر نیایش از دیدگاه دین و دانش
۵۵	فرهنگ انتظار
۵۵	اشاره
۵۸	خاتم پیامبران سرخیل منتظران

۶۱	فخر ساجدان در اشتیاق امام عارفان
۶۲	وجوب انتظار
۶۴	وجوب انتظار در آیین یهود
۶۷	فضیلت انتظار
۷۱	فرهنگ تحسس
۷۱	اشاره
۷۲	گلوژه ی تحسس
۷۷	اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام
۸۱	پیش شرط های درک ظهور
۸۶	سخن پایانی
۸۸	درباره مرکز

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : تنها راه / علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم: جبل المتین، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : [۸۰] ص.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۴۶۲-۶-۰.

یادداشت : کتاب حاضر قبلا تحت عنوان "تنها ره رهایی" توسط انتشارات عطر عترت در سال ۱۳۹۱ منتشر شده است.

عنوان دیگر : تنها ره رهایی.

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - دعاها

موضوع : مهدویت - - انتظار

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴ م ۹ ت ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۲۲۲۴۱

ص : ۱

این خورشید جهان افروز که روشنگر پهنه ی زندگی است، چه بی رحمی ها و سنگدلی ها دیده و بر چه شاخ و برهای برومند که به ستم در درختزار زندگی خشک شده اند، تابیده است!.

این مهتاب غمرنگ که با هاله ای اندوهبار، همچون اشک در چشم آسمان می غلطد، شاهد چه جنایاتی است که بر مظلومان تاریخ رفته است!.

این خزان که خشمگین از راه می رسد و برگ درختان را بی رحمانه می ریزد، خود می بیند که در گلستان زندگی برگ و گلی نمی ماند!.

این غروب غمبار زمستان که از شب سرد تیره روزان، رنگ تیره به خود گرفته، شاهد جنایات بی شماری است که در شهر و روستا، دشت و صحرا، بر مردم ستمدیده رفته است!.

کابوس یأس و نومیدی سایه ی سنگین خود را بر پهنه ی گیتی گسترده و روزنه ی امیدی برای محرومان و دردمندان باقی نگذاشته است!.

دنیایی که در آن زندگی می کنیم درد آلود و درد زاست، سراسر درد و اندوه است و آینده ای که در برابر دیدگانمان ترسیم می شود، ابهام آمیز و

یأس آور است!

رواشناسان و روانکاوان تنها راه درمان این دردها را در بازگشت به معنویت جستجو می کنند، تا با کمک ادیان کابوس یأس و نومییدی را از افق زندگی به دور انداخته، فروغ امید را به دیدگان نگران انسان ها باز گردانند!

کتب آسمانی در این میان سراسر امید و آکنده از نوید بهروزی است، به پیروان ادیان ابراهیمی بشارت می دهد که شب دیجور غم ها به سر آمده، صبح پیروزی و بهروزی در راه است، تنها راه رسیدن به چنین صبحی خجسته و روزی مبارک، انتظار ظهور و دعا برای تعجیل در فرج آن مصلح آسمانی است.

ص: ۶

۱. گلوآزه ی انتظار

انتظار از ریشه ی: «نظر» است.

«نظر» نگریستن و به نظاره نشستن می باشد.

«انتظار» چشم به راهی و چشم دوختن به فرا رسیدن وقت چیزی است. (۱)

همانند تشنه ای سوخته و کوفته، در دشت و صحرا در جستجوی آب زلال.

همانند رهنورد خسته، در شب ظلمانی و طولانی، در جستجوی یک پناهگاه.

همانند کوهنوردی که به هنگام صعود بر قله ی کوه پایش لغزیده و دست بر سنگی گرفته، در انتظار سرنوشت.

همانند کشاورزی فلک زده، در کنار مزرعه ای افسرده، که چشم به افق دوخته، به امید قطعه ی ابری.

ص: ۷

همانند تیمارگر بیماری که در بحرانی ترین لحظات، در انتظار پزشکی ثانیه شماری می کند.

همانند عاشق منتظری که در آتش هجر محبوب سوخته، در انتظار ظهور امام نور ثانیه ها را می شمارد.

۲. گلوآزه ی فرج

ارباب لغت در تفسیر و تبیین گلوآزه ی «فرج» تعبیراتی دارند که تقریباً همه ی آنها به یک معنی بر می گردد:

(۱) ابن فارس: فرج به معنای گشایش است. (۱)

(۲) خلیل بن احمد: به معنای رفع غم و اندوه می باشد. (۲)

(۳) جوهری: در معنای رهایی از غم و اندوه به کار می رود. (۳)

(۴) طریحی: به معنای راهگشایی و باز کردن جا برای افراد در مجالس می باشد. (۴)

گلوآزه «فرج» در اصطلاح در دو معنی استعمال می شود:

۱. مطلق گشایش

۲. ظهور موفور السرور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه.

انتظار فرج نیز در هر دو مورد به کار رفته است:

۱. چشم به راهی گشایش

۲. چشم به راهی ظهور مولا

ص: ۸

۱-۱ _ ابن فارس، همان ج ۴، ص ۴۹۸.

۲-۲ _ خلیل، ترتیب العین، ص ۶۲۰.

۳-۳ _ رازی، مختار الصحاح، ص ۴۹۵.

۴-۴ _ طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۲۲.

جالب توجه است که «انتظار فرج» در هر دو مورد از افضل اعمال شمرده شده است:

(۱) در مورد انتظار کلی فرج احادیث فراوانی رسیده است که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

۱. مولای متقیان در حدیث اربعمائه می فرماید:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ، وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ؛

انتظار فرج را پیشه سازید، از الطاف خدا نومید نشوید، که محبوب ترین اعمال در نزد خداوند متعال انتظار فرج می باشد. (۱)

۲. در حدیث دیگری فرمود:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الصَّبْرُ وَالصَّمْتُ وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

برترین عبادت شکیبایی، حفظ متانت و انتظار فرج می باشد. (۲)

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه فرمود:

بِالصَّبْرِ يُتَوَقَّعُ الْفَرَجُ؛

به وسیله ی صبر و شکیبایی امید فرج پدید آید. (۳)

۴. امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرماید:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرُ وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج. (۴)

ص: ۹

۱-۱ _ شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶.

۲-۲ _ ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۴۲.

۳-۳ _ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۶.

۴-۴ _ همان، ج ۱۲، ص ۳۷۹.

۵. امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان نیز می فرماید:

إِنَّ مُجِبَّنَا يَنْتَظِرُ الرُّوحَ وَ الْفَرْجَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ؛

محبین ما در هر شب و روز گشایش و بشارت را انتظار می کشند. (۱)

گلوازه ی فرج در میان امت های پیشین در مورد گشایش های خاص به وفور به کار رفته است، که به چند مورد از آنها فقط اشاره می کنیم:

(۱) فرج و گشایش اصحاب حضرت نوح علیه السلام. (۲)

(۲) فرج و گشایش در امر حضرت ایوب علیه السلام. (۳)

(۳) فرج و گشایش در امر حضرت یوسف علیه السلام. (۴)

(۴) فرج و گشایش اصحاب کهف. (۵)

(۵) فرج و رهایی جناب عبدالله، پدر بزرگوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ذبح. (۶)

در امت اسلامی نیز در مواردی گلوازه ی فرج به کار رفته، که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

(۱) معتر عباسی، امام حسن عسکری علیه السلام را به حاجب خود «سعید» سپرد، که آن حضرت را به سوی کوفه حرکت دهد و در اثنای راه به شهادت برساند. شیعیان از شنیدن این خبر وحشتناک مضطرب شدند، امام علیه السلام فرمود:

بَعْدَ ثَالِثٍ يَأْتِيكُمْ الْفَرْجُ؛

پس از سه روز فرج و گشایش برای شما پدید خواهد آمد.

ص: ۱۰

۱-۱ _ همان، ج ۶۸، ص ۳۸.

۲-۲ _ همان، ج ۱۱، ص ۳۲۶.

۳-۳ _ همان، ج ۴۴، ص ۲۷۵.

۴-۴ _ همان، ج ۱۲، ص ۲۳۱.

۵-۵ _ همان، ج ۱۴، ص ۴۲۵.

۶-۶ _ همان، ج ۱۵، ص ۸۳.

روز سوم «معتز» از خلافت خلع شد. (۱)

(۲) «مستعین» نیز تصمیم گرفته که آن حضرت را به شهادت برساند، شیعیان خیلی مضطرب شدند، حضرت فرمود:

پس از سه روز برای شما فرج حاصل می شود.

روز سوم مستعین را از خلافت خلع کردند، به واسطه برده، به قتل رسانیدند و شیعیان از آن اضطراب رهایی یافتند. (۲)

(۳) عبد الرحمن بن کثیر، مشکلاتش را برای امام صادق علیه السلام بازگو کرد، امام علیه السلام دعایی برای او تعلیم کرد، سه شب بر آن مداومت کرد و فرج حاصل شد. (۳)

(۴) ریان بن صلت دعایی از امام رضا علیه السلام فرا گرفت، درهر مشکلی آن را خواند، خداوند گشایش و فرج عنایت فرمود. (۴)

(۵) شیخ صدوق از استادش نقل کرده، که برای رفع مشکلی به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه متوسل شده، دو رکعت نماز استغاثه به حضرت را خوانده، دعای: «سلام الله الكامل التام» را در زیر آسمان خوانده، آفتاب طلوع نکرده، فرج حاصل شده است. (۵)

در میان دعاهاى مأثور از پیشوایان معصوم عليهم السلام شماری از دعاها به دعای فرج، کلمات فرج و کلام فرج نامیده شده، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم، علاقمندان به منابع یاد شده در پاورقی مراجعه فرمایند:

ص: ۱۱

۱-۱ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۰۸، ح ۱۷۷.

۲-۲ _ سید ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۴۹۱.

۳-۳ _ همو، فلاح السائل، ص ۲۵۷.

۴-۴ _ ابن باقی، اختیار المصباح الکبیر، ج ۲، ص ۵۱۰.

۵-۵ _ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۱.

۱. دعای: اللّٰهم أنت ثقتی... (۱)
۲. دعای: اللّٰهم احرسنی بعینک الّتی لا تنام... (۲)
۳. دعای: الّهی طموح الامال قد خابت إلاّ لیدیک... (۳)
۴. دعای: اللّٰهم إنّی أدراً بک فی نحورهم... (۴)
۵. دعای: اللّٰهم إن کانت ذنوبی قد اختلقت وجهی عندک... (۵)
۶. دعای: یا من یکفی من کلّ شیء... (۶)
۷. دعای: اللّٰهم إنّی أسالک یا الله... (۷)
۸. دعای: لا اله إلاّ الله الحلیم الکریم... (۸)
۹. دعای: یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح... (۹)
۱۰. دعای: یا نور النور، یا مدبّر الأمور... (۱۰)

عوامل تأخیر در امر فرج

در حدیثی از مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام به برخی از عوامل تأخیر در امر فرج اشاره شده است:

عمرو بن حمق خزاعی پس از ضربت خوردن مولی، به پیشگاه آن

ص: ۱۲

- ۱-۱ _ ابن باقی، همان.
- ۲-۲ _ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۱۶.
- ۳-۳ _ همان، ج ۸۷، ص ۲۸۰؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۳.
- ۴-۴ _ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷۰.
- ۵-۵ _ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۶۰.
- ۶-۶ _ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۰۸.
- ۷-۷ _ سید ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۹۸.
- ۸-۸ _ شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۲۲، ح ۱۲۸۴.
- ۹-۹ _ طبری، دلائل الامامه، ص ۵۵۲، ح ۵۲۵.

حضرت شرفیاب شده، عرضه داشت: ان شاء الله خطری شما را تهدید نمی کند، این فقط یک ضربت است.

حضرت فرمود: نه، به جان خود سوگند، من از میان شما خواهم رفت. سپس فرمود:

إِلَى السَّبْعِينَ بَلَاءً؛

تا سال هفتاد بلاها ادامه دارد.

این جمله را سه بار تکرار نمودند.

عمرو بن حنق پرسید: آیا پس از آن گشایشی خواهد بود؟

حالت ضعف بر آن حضرت مستولی شد، پس از آن فرمود:

نَعَمْ، وَإِنَّ بَعْدَ الْبَلَاءِ رَخَاءً؛

آری، پس از بلا گشایش هست.

آن گاه این آیه را تلاوت فرمودند:

«يَمْحُو اللَّهُ مِمَّا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»؛^(۱)

خداوند آنچه را که بخواهد محو می کند و آنچه را که بخواهد اثبات می کند، و ام الكتاب در نزد اوست.^(۲)

ابوحزمه ی ثمالی می گوید: به محضر امام باقر علیه السلام عرض کردم: علی علیه السلام می فرمود: تا سال ۷۰ بلاها ادامه

دارد و می فرمود: بعد از ۷۰ گشایش هست. سال ۷۰ گذشت و گشایشی ندیدیم، فرمود:

يَا ثَابِتُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ وَقَّتْ هَذَا الْأَمْرَ فِي السَّبْعِينَ، فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، فَأَخْرَهُ
اللَّهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِائَةٍ

ص: ۱۳

۱-۱ _ سوره ی رعد، آیه ی ۳۹.

۲-۲ _ قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱۱.

سَنَهُ، فَحَدَّثْنَاكُمْ، فَأَدْعُتُمْ الْحَدِيثَ وَكَشَفْتُمْ قِنَاعَ السَّرِّ، فَأَخَّرَهُ اللَّهُ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ عِنْدَنَا وَقْتًا؛

ای ثابت (نام ابو حمزه) خداوند این فرج و گشایش را در سال ۷۰ مقدر فرموده بود، چون امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، غضب خدا بر اهل زمین شدت یافت، پس آنرا به سال ۱۴۰ به تأخیر انداخت. ما به شما گفتیم، شما آن را شایع کردید و از اسرار پرده برداشتید، خداوند آن را به تأخیر انداخت، و دیگر وقتی برای آن در نزد ما قرار نداد.

آن گاه آیه ی شریفه ی: «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ» را تلاوت نمود. (۱)

ابو حمزه گوید: آن را به امام صادق علیه السلام عرضه داشتیم، فرمود: آری این چنین شد. (۲)

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید:

كَانَ هَذَا الْأَمْرُ فِيَّ، فَأَخَّرَهُ اللَّهُ، وَ يَفْعَلُ بَعْدُ فِي ذُرِّيَّتِي مَا يَشَاءُ؛

این فرج و گشایش مقدر بود که به دست من انجام شود، ولی خداوند آن را به تأخیر انداخت، در آینده نیز آنچه را که بخواهد به دست ذریه ام انجام می دهد. (۳)

منظور از فرج و گشایش در این سه حدیث، یک گشایش نسبی برای شیعیان می باشد، نه فرج کلی و جهانی، زیرا در آن زمان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه هنوز متولد نشده بود.

بر اساس روایات فوق قرار بوده در سال ۷۰ ق. گشایشی برای شیعه

ص: ۱۴

۱-۱ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۲۸، ح ۴۱۷.

۲-۲ _ همان.

۳-۳ _ همان، ص ۴۲۹، ح ۴۱۸.

فراهم شود، که به سبب فاجعه ی کربلا و شهادت جانگداز سالار شهیدان به تأخیر افتاد.

سپس مقدر شد که در سال ۱۴۰ گشایشی حاصل شود، که به سبب عدم رعایت وظیفه ی راز داری باز هم به تأخیر افتاد.

این سه حدیث با مسأله ی «بدا» ارتباط پیدا می کند که یکی از اعتقادات قطعی شیعیان می باشد. لذا شیخ طوسی پس از نقل سه حدیث فوق، به تفصیل در مورد بدا گفت و گو نموده است. (۱)

از این سه حدیث دو عامل از عوامل تأخیر در امر فرج روشن گردید:

(۱) حادثه ی کربلا، شهادت سالار شهیدان، کوتاهی امت در حفظ حریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، قصور در وظیفه ی مودت ذوی القربی، که منتهی شد به غضب خلافت، خانه نشینی مولا، شهادت صدیقه ی طاهره، حضرت محسن، امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم اجمعین

(۲) افشای سرّ و پرده برداری از اسرار آل محمد علیهم السلام که در احادیث فراوان از آن نهی شده است.

نعمانی نخستین باب کتاب خود را به احادیث وارده در وجوب حفظ اسرار اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده، ۱۲ حدیث در این رابطه نقل فرموده است. (۲)

حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در نامه ی خود به شیخ مفید عامل دیگری برای تأخیر در امر فرج بیان فرموده و آن ارتکاب اعمالی است که شایسته ی یک شیعه ی منتظر نمی باشد. و اینک فرازی از نامه ی آن

ص: ۱۵

۱-۱ _ همان، ص ۴۲۹ _ ۴۳۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۱۴ _ ۱۳۴.

۲-۲ _ نعمانی، الغیبه، ص ۳۳.

حضرت:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَهُمُ اللَّهُ عَلَى طَاعَتِهِ - عَلَى إِجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا. وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا - مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ؛

اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را به اطاعت خود موفق بدارد - یکدله می شدند در وفا کردن به آن عهد و میثاقی که بر گردن آنهاست، هرگز یمن دیدار ما از آنها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما با معرفت کامل و بصیرت لازم برای آنها محقق می شد.

چیزی دیدار ما را از آنها مانع نمی شود، جز رفتار ناهنجار آنها که از آنها به ما می رسد، و ما چنین اعمالی را دوست نمی داریم و از آنها انتظار نداریم. (۱)

علی بن ابراهیم بن مهزیار در موسم حج از اهواز به حجاز رفته، حج و عمره اش را انجام داده، کسی از سوی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به سراغش آمده، در ضمن گفت و گو فرموده:

اینک چه می خواهی؟

پس مهزیار گفته:

الْإِمَامَ الْمَحْجُوبَ عَنِ الْعَالَمِ؛

آن امام محجوب از جهانیان را.

آن فرستاده در پاسخ فرموده:

ص: ۱۶

مَا هُوَ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ، وَ لَكِنْ حَاجِبُهُ سُوءُ أَعْمَالِكُمْ؛

او از شما در حجاب نیست، این اعمال زشت شما هست که او را از شما در حجاب کرده است. (۱)

بر این اساس سؤمین عامل در تأخیر فرج اعمال زشت ما هست که آن امام همام را در پشت پرده ی غیبت نگه داشته است.

نکته ی ظریفی که در نامه ی امام علیه السلام به شیخ مفید جهت کاربردی دارد، تعبیر: «علی اجتماع من القلوب» است، یعنی باید همه ی شیعیان یکدل و یک جهت متوجه قصور و تقصیر خود بشوند، به صورت اجتماعی توبه و تضرع کنند، به سوی خداوند باز گردند، عهد و پیمانی را که با خداوند منان بسته اند، به یاد بیاورند، همگی بر انجام آن ملتزم شوند، که در غیر این صورت به نتیجه نخواهند رسید، زیرا خداوند منان در آیات نورانی قرآن می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛

خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ جز هنگامی که آنان در وضع خود تغییر ایجاد کنند. (۲)

بر اساس این آیه ی شریفه تا انسان ها به خود نیایند، از کرده ی خود پشیمان نشوند، به صورت دسته جمعی دعا و تضرع نکنند، خداوند وضع آنها را تغییر نخواهد داد، و دوران غیبت را به حضور مبدل نخواهد نمود.

خداوند منان برای قوم حضرت یونس عذاب رامقدر کرد و به آنها خبر داد. هنگامی که وقت عذاب رسید، حضرت یونس از میان آنها بیرون رفت. با هشدار یکی از عالمان، آنها به خود آمدند، توبه کردند و به صورت دسته

ص: ۱۷

۱-۱ _ طبری، دلائل الامامه، ص ۵۴۰، ح ۵۲۲.

۲-۲ _ سوره ی رعد، آیه ی ۱۱.

جمعی تضرع کردند، خداوند عذاب را از آنها برگردانید. (۱)

امت اسلامی نیز اگر به خود آیند، توبه کنند، تضرع نمایند، خداوند منان به دوران غیبت خاتمه داده، به حجت خود اذن ظهور داده، امت اسلامی را از چشمه ی زلال امامت برخوردار خواهد فرمود. در غیر این صورت دوران غیبت ادامه یافته، تا آخرین حد تعیین شده اش خواهد رسید. چنانکه امام صادق علیه السلام به هنگام تشریح داستان بنی اسرائیل بر آن تأکید فرموده است و اینک متن کامل داستان را تقدیم نموده، به بحث سندی و محتوایی آن می پردازیم:

ص: ۱۸

۱-۱ _ بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۵، ص ۷۱؛ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۹۲، ح ۶۴.

محمد بن مسعود عیاشی در تفسیر خود از «فضل بن ابی قره» روایت کرده که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی فرمود که فرزندی برای تو متولد خواهد شد.

حضرت ابراهیم آن را به «ساره» گفت. ساره گفت:

«أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ»؛

آیا من فرزند به دنیا می آورم، در حالی که من پیرزن فرتوت هستم؟ (۱)

خداوند به حضرت ابراهیم وحی فرمود که آری او فرزند به دنیا می آورد، ولی چون سخن مرا برگردانید، ۴۰۰ سال فرزندانش در آزار و اذیت خواهند بود.

هنگامی که دوران آزار و اذیت بنی اسرائیل به طول انجامید، به درگاه خداوند، چهل روز ناله و تضرع کردند.

پس خداوند به حضرت موسی و هارون علیهما السلام وحی فرمود که آنها را از

ص: ۱۹

دست فرعون نجات دهند.

پس ۱۷۰ سال از دوران آزار و اذیت آنها کاسته شد.

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود:

وَ هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّحَ اللَّهُ بِعَنَا، فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا، فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَى مُنْتَهَاهُ؛

همچنین شما نیز اگر چنین کنید خداوند برای ما گشایش ایجاد می کند، ولی اگر این گونه نباشید، امر فرج تا آخرین وقت تعیین شده اش به تأخیر می انجامد. (۱)

منابع حدیث

این حدیث شریف در منابع زیر به نقل از تفسیر عیاشی آمده است:

۱. بحار الانوار، تألیف: علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ق. (۲)

۲. تفسیر صافی، تألیف: ملا محسن فیض، متوفی ۱۰۹۱ ق. (۳)

۳. تفسیر البرهان، تألیف: سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۷ ق. (۴)

۴. تفسیر کنز الدقایق، تألیف: محمد بن محمد رضا مشهدی، قرن دوازدهم. (۵)

۵. عوالم العلوم، تألیف: شیخ عبدالله بحرانی، قرن دوازدهم. (۶)

ص: ۲۰

۱-۱ _ عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۴۹.

۲-۲ _ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۱۸؛ ج ۱۳، ص ۱۴۰؛ ج ۵۲، ص ۱۳۱.

۳-۳ _ فیض، صافی، ج ۴، ص ۵۸.

۴-۴ _ بحرانی، البرهان، ج ۵، ص ۱۶۳.

۵-۵ _ ابن مشهدی، کنز الدقایق، ج ۶، ص ۲۰۰.

۶-۶ _ بحرانی، عوالم، ج ۲۶، قسم سوم، ص ۴۹.

۶. مستدرک وسائل الشیعه، تألیف: محدث نوری، متوفای ۱۳۲۰ ق. (۱)

۷. مکیال المکارم، تألیف: سید محمد تقی موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۴۸ ق. (۲)

۸. تفسیر المیزان، تألیف: علامه سید محسن طباطبائی، متوفای ۱۴۰۲ ق. (۳)

اعتبار سندی حدیث

از بررسی حدیث روشن شد که در همه ی منابع این حدیث شریف از تفسیر عیاشی نقل شده است.

محمد بن مسعود عیاشی، متوفای ۳۲۰ ق. بیش از ۲۰۰ کتاب تألیف کرده که عناوین ۱۵۸ عنوان آن را نجاشی ثبت کرده است. (۴)

همه ی آثار عیاشی در کشاکش روزگار به دلایل مختلف، از جمله تهاجم دشمنان اهل بیت به کتابخانه های شیعیان از بین رفته، فقط کتاب تفسیر ایشان، آن هم فقط نیمه ی اول آن به دست ما رسیده است، که در سه مجلد به چاپ رسیده و در دسترس ما قرار دارد. (۵)

عیاشی قبلاً عامی بود، در نوجوانی به آیین تشیع گرویده و از هر جهت مورد وثوق و اعتماد می باشد.

پیشتر از علمای رجال، نجاشی در حق او می نویسد:

ص: ۲۱

۱-۱ _ نوری، مستدرک وسائل، ج ۵، ص ۲۳۹.

۲-۲ _ موسوی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۶۳.

۳-۳ _ طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

۴-۴ _ نجاشی، رجال، ص ۳۵۰-۳۵۲.

۵-۵ _ چاپ ۱۴۲۱ ق. بنیاد بعثت، قم.

ابو نصر محمد بن مسعود بن محمد بن عیاش سلمی سمرقندی، مشهور به: «عیاشی» ثقه، صدوق و نور چشم جهان تشیع می باشد. (۱)

عیاشی این حدیث را از: «فضل بن ابی قره» روایت می کند.

فضل بن ابی قره از اصحاب امام صادق علیه السلام می باشد، که شیخ طوسی او را در ضمن اصحاب امام صادق علیه السلام بر شمرده است. (۲)

و در فهرست فرموده: برای او کتابی هست که جماعتی آن را از ابومفضل از حمید، از ابراهیم بن سلیمان بن حیان خزازی، از فضل بن ابی قره، برای ما روایت کرده اند. (۳)

نجاشی طریق خود را به کتاب وی چنین بر می شمارد:

برای او کتابی است که جمعی آن را روایت می کنند: محمد بن جعفر، از احمد بن محمد بن سعید، از محمد بن احمد کلایی، از علی بن اسحاق بن عار، از شریف بن سابق، از فضل بن ابی قره آن را برای ما روایت کرده است. (۴)

احادیث فضل بن ابی قره در کتب اربعه

آیه الله خویی قدس سره می نویسد:

در کتب اربعه ۲۵ مورد از احادیث وی از امام صادق علیه السلام آمده است، که ۲۴ مورد آن از طریق شریف بن سابق روایت شده است. (۵)

ص: ۲۲

۱-۱ _ نجاشی، رجال، ص ۳۵۰، رقم ۹۴۴.

۲-۲ _ شیخ طوسی، الرجال، ص ۲۷۱، رقم ۱۲.

۳-۳ _ همو، الفهرست، ص ۳۶۴، رقم ۵۶۹.

۴-۴ _ نجاشی، رجال، ص ۳۰۸.

۵-۵ _ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، رقم ۱۰۹.

ابن الغضائری او را تضعیف کرده و روایاتش را تضعیف نموده است. (۱)

آیه الله خویی می فرماید:

به تضعیف ابن الغضائری اعتماد نیست، او ثقه است، زیرا در سند تفسیر قمی قرار گرفته است. (۲)

علامه ی مامقانی از سید بحر العلوم نقل می کند که فرموده است:

هر کس که فضل بن ابی قره را تضعیف کرده، از ابن الغضائری پیروی کرده است، به تضعیف وی هیچ اعتمادی نیست، زیرا او بسیاری از پاکان را تضعیف کرده است. (۳)

شیخ صدوق در مشیخه ی فقیه، طریق خود را به روایات فضل بن ابی قره نقل کرده است. (۴)

مولی محمد تقی مجلسی در شرح مشیخه ی فقیه به شماری از احادیث فضل بن ابی قره اشاره کرده و آنها را قوی دانسته است. (۵)

آیه الله سید حسن خراسان در مقدمه ی خود بر شرح مشیخه می فرماید:

بسیاری از راویان حدیث شرح حالشان در کتب رجالی نیامده است، جز این که وحید بهبهانی در تعلیقه ی خود بر منهج المقال استرآبادی، از دائی خود علامه ی مجلسی نقل فرموده که ایشان بر

ص: ۲۳

۱-۱ _ ابن الغضائری، الرّجال، ص ۸۴، رقم ۱۰۹.

۲-۲ _ خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۸۱.

۳-۳ _ مامقانی، تنقیح المقال، چاپ سنگی، ج ۲، ص ۲، باب فاء، ص ۶.

۴-۴ _ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۴، قسم مشیخه، ص ۸۱.

۵-۵ _ مجلسی اول، روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۲۱۸.

حُسن حال برخی از آنها نظر داده و تعلیل فرموده که در طریق شیخ صدوق قرار گرفته اند.^(۱)

آیه الله خوئی قدس سره به توثیق او تصریح کرده و فرموده:

او ثقة است، زیرا در سند تفسیر قمی قرار گرفته است.^(۲)

علامه ی مامقانی در مورد شریف بن سابق که بیشترین روایت را از فضل بن ابی قره نقل کرده است، اقوال رجالیون را نقل فرموده، در پایان می فرماید:

لکن روایاتش محکم و استوار است.^(۳)

پیشتر رجالیون مرحوم نجاشی طریق خود را به کتاب «فضل بن ابی قره» نقل می کند.^(۴)

سید بحر العلوم پس از نقل تعبیر نجاشی، در مورد کتاب جمعی از مشایخ خود، به این نتیجه می رسد که همه ی کسانی که در طریق مشایخ او قرار گرفته اند، مورد وثوق هستند و نهایت اجتناب را از نقل کتاب و حدیث از افراد غیر موثق داشته اند.^(۵)

بر این اساس فضل بن ابی قره نیز جزء مشایخ نجاشی و ثقة می باشد. شادروان شیخ غلامرضا عرفانیان در «مشایخ الثقات» از شیخ حر عاملی نقل کرده که در کتاب «وسائل الشیعه» [ج ۸، ص ۴۷۸، ذیل حدیث ۳] از کتاب «مستطرفات سرائر» [ص ۶۲، ح ۱۴] نقل کرده که «احمد بن محمد بن

ص: ۲۴

-
- ۱-۱ _ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۴، قسم مشیخه، ص ۲.
 - ۲-۲ _ خوئی، معجم رجال الحدیث، ح ۱۳، ص ۲۸۱.
 - ۳-۳ _ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳۵، ص ۱۳، رقم ۹۱.
 - ۴-۴ _ نجاشی، رجال، ص ۳۰۸، رقم ۸۴۲.
 - ۵-۵ _ سید بحر العلوم، الفوائد الرجالیه، ج ۴، ص ۱۴۵، فائده ۲۶.

ابی نصر بزنی از «فضل بن ابی قره» روایت می کند.

اگر این نقل ثابت شود، دلیل دیگری بر توثیق او خواهد بود، زیرا بزنی از اصحاب اجماع هست (۱)، که هرگز از غیر ثقه روایت نمی کند. (۲)

جز این که در کتب اربعه روایت بزنی از فضل بن ابی قره یافت نشد. (۳) آیه الله سید محمد مهدی خراسان، در مستطرفات سرائر، آن را از کتاب «الاجماع بزنی» نقل فرموده، جز این که در اول حدیث «عنه، عن الفضل بن ابی قره» آمده است و حدیث اصطلاحاً «مضمّر» می باشد و در مورد مرجع ضمیر دو احتمال بیان فرموده:

(۱) یونس بن ضبیان

(۲) ابو بصیر (۴)

علامه ی مامقانی در مورد ثقه بودن فضل بن ابی قره می نویسد:

امامی بودن او از منابع حدیثی استفاده می شود.

از تعبیر نجاشی که در مورد شریف بن سابق تفلیسی گفته:

وی از اصحاب فضل بن ابی قره بوده؛ (۵)

معروفیت او معلوم می شود.

و تعبیرش در اینجا که فرموده:

جماعتی کتاب او را روایت کرده اند؛ (۶)

ص: ۲۵

۱-۱ _ شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۵۶، ح ۱۰۵۰.

۲-۲ _ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۷، ص ۱۵۸.

۳-۳ _ ابطحی، معجم رواه الحدیث و ثقافته، ج ۵، ص ۲۵۵۴.

۴-۴ _ خراسان، موسوعه ابن ادریس، ج ۱۴، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۵-۵ _ نجاشی، رجال، ص ۱۹۵، رقم ۵۲۲.

۶-۶ _ همان، ص ۳۰۸، رقم ۸۴۲.

اشاره به ثقه بودن او می باشد. (۱)

ابن داود و اردبیلی از نجاشی نقل کرده اند که نجاشی گفته: او ضعیف است. (۲)

ولی در رجال نجاشی این تعبیر وجود ندارد.

با توجه به واقع شدن او در سند تفسیر قمی و التزام علی بن ابراهیم به روایت از افراد مورد اعتماد ثقه بودن او معلوم می شود. (۳)

شایان دقت است که برخی از رجالیون در روایت او از امام صادق علیه السلام تردید کرده اند، در حالی که روایات او در کتب اربعه ثبت شده و تعبیرهایی در این روایات آمده که صراحت در نقل بدون واسطه دارد:

۱. شیخ طوسی با سلسله اسنادش از فضل بن ابی قره روایت کرده که گفت:

امام صادق علیه السلام در مورد شخصی پرسید و من حاضر بودم... (۴)

۲. علی بن ابراهیم از پدرش، از فضل بن ابی قره روایت کرده که گفت:

امام صادق علیه السلام را دیدم که از اوّل شب تا به صبح طواف می کرد و در حال طواف می گفت:

اللَّهُمَّ قِنِي شُحَّ نَفْسِي؛

خدایا! مرا از بخل و حرص خویشتن باز دار. (۵)

۳. شیخ صدوق، از طریق شریف بن سابق تفلیسی، از فضل بن ابی قره

ص: ۲۶

۱-۱ _ مامقانی، همان.

۲-۲ _ ابن داود، الرّجال، ص ۱۵۱، رقم ۱۱۹۲؛ اردبیلی، جامع الرّواه، ج ۲، ص ۴.

۳-۳ _ موسوی اصفهانی، ثقات الرواه، ج ۳، ص ۱۲۹، رقم ۹۳۸.

۴-۴ _ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ح ۷، ص ۳، ح ۶.

۵-۵ _ علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۲.

روایت کرده که گفت:

به محضر امام صادق علیه السلام مشرف شدیم، در خانه اش کار می کرد، گفتیم: جان ما به فدای شما، اجازه بدهید ما این کار را انجام بدهیم، یا خادمان انجام دهند، فرمود: نه، مرا به حال خود رها کنید، می خواهم خداوند ببیند که من با دست خود کار می کنم و در حال به دست آوردن حلال، خود را به رنج می اندازم. (۱)

۴. شیخ صدوق از همین طریق از وی روایت کرده که گفت:

به امام صادق علیه السلام گفتم که اینها می گویند: اجرت معلم حرام است، فرمود:

دشمنان خدا دروغ می گویند، اینها می خواهند که کسی به فرزندان آنها قرآن تعلیم نکند... (۲)

نگاهی گذرا به احادیث یاد شده به روشنی اثبات می کند که فضل بن ابی قره، آنها را از محضر امام صادق علیه السلام دریافت کرده و نقل نموده است.

راویان حدیث از فضل بن ابی قره

۲۵ روایتی که در کتب اربعه از فضل بن ابی قره روایت شده، کلاً از امام صادق علیه السلام می باشد، اما راویانی که از وی روایت کرده اند عبارتند از:

۱. ابراهیم بن سلیمان بن حیان الخزاز. (۳)

۲. ابراهیم بن هاشم قمی (۴)

ص: ۲۷

۱-۱ _ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۹، ح ۳۸۲.

۲-۲ _ همان، ح ۳۸۴.

۳-۳ _ اردبیلی، جامع الزّواہ، ج ۲، ص ۴؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۶۴، رقم ۵۶۹.

۴-۴ _ علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۲.

۳. حسین بن سعید (۱)

۴. سیاری (۲)

۵. شریف بن سابق تفلیسی (۳)

و اینک شماری از روایات فضل بن ابی قره در کتب اربعه:

(۱) کافی شریف، ج ۱، ص ۳۹، ح ۳

(۲) همان، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱

(۳) همان، ج ۳، ص ۴۸۷، ح ۵

(۴) همان، ج ۴، ص ۴۵، ح ۷

(۵) همان، ج ۵، ص ۷۴، ح ۲

(۶) همان، ج ۶، ص ۳، ح ۱۲

(۷) تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۱۹۶

(۸) همان، ج ۷، ص ۳، ح ۶

(۹) الاستبصار، ج ۳، ص ۶۵، ح ۲۱۶

(۱۰) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۹، ح ۳۸۲

هویت فضل بن ابی قره

فضل بن ابی قره، از نظر مذهب شیعه ی امامی، از محدثان شیعه، از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام و از راویان حدیث از آن حضرت می باشد و از نظر حسب و نسب و تابعیت به شرح زیر می باشد:

ص: ۲۸

۱-۱ _ شبستری، الفائق، ج ۲، ص ۵۶۷.

۲-۲ _ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۷، ح ۵.

۳-۳ _ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۸-۹۹، و ۱۲۰.

(۱) از بنی تمیم بود. (۱)

(۲) کوفی الاصل بود و مدتی در آن سکونت داشت. (۲)

(۳) سپس به بلاد آذربایجان رفته و در آن سکونت نموده است. (۳)

(۴) سپس به ارمنستان رفته. (۴)

(۵) در تفلیس اقامت نموده است. (۵)

(۶) در آذربایجان در محلی به نام: «سهند» اقامت داشته است. (۶)

(۷) در بسیاری از منابع رجالی و حدیثی به جای سهند، «سمند» ذکر شده است. (۷)

(۸) و در همه ی آنها تصریح شده که «سمند» از بلاد آذربایجان است. (۸)

سهند یا سمند؟

در سه منبع رجالی نسبت ایشان به «سهند» از بلاد آذربایجان داده شده:

۱. رجال نجاشی، با تحقیقات آیه الله شبیری زنجانی.

۲. رجال ابن الغضائری، با تحقیقات استاد سید محمد رضا جلالی.

۳. جامع الرواه اردبیلی، با مقدمه ی مرحوم آیه الله بروجردی قدس سره.

در دیگر منابع رجالی و حدیثی به: «سمند» از بلاد آذربایجان منسوب

ص: ۲۹

۱-۱ _ رجال، ص ۳۰۸، ابن الغضائری، الرّجال، ص ۸۴، علامه، الرجال، ص ۲۴۶.

۲-۲ _ ابن الغضائری، الرّجال، ص ۸۴.

۳-۳ _ همان .

۴-۴ _ رجال، ص ۳۰۸، ابن داود، رجال، ص ۱۵۱.

۵-۵ _ شیخ طوسی، الرّجال، ص ۲۷۱؛ اردبیلی، جامع الرّواه، ج ۲، ص ۴.

۶-۶ _ رجال، ص ۳۰۸؛ ابن الغضائری، الرّجال، ص ۸۴، اردبیلی، همان.

۷-۷ _ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۳، ص ۹۸-۱۲۰؛ علامه، الرجال، ص ۲۴۶؛ ابن داود، رجال، ص ۱۵۱.

۸-۸ _ علامه، همان؛ ابن داود، همان؛ خراسان، شرح مشیخه، به پیوست فقیه، ج ۴، ص ۸۱.

شده است. (۱)

پس از گشت و گذار در کتب تاریخ و جغرافیا، در آذربایجان و غیر آن شهر یا روستایی به نام: «سمند» پیدا نشد.

به احتمال قوی لفظ «سهند» به «سمند» تصحیف شده است.

«سهند» نام کوه مشهوری است در آذربایجان، در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی تبریز که ۳۷۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و همیشه پوشیده از برف است. (۲)

سهند کوه آتشفشان قدیمی و خاموش و مخروطی شکل بین تبریز و مراغه می باشد. (۳)

«سهند» نام دهی متصل به کوه سهند است، که آن کوه به آن منسوب است. (۴)

دهستان سهند شامل ۴۰ آبادی بزرگ و کوچک در جنوب بستان آباد و شرق مراغه و آذر شهر می باشد.

بنا بر تحقیق «فضل بن ابی قره» به این دهستان منسوب می باشد، که در تمام منابع به عنوان «یکی از بلاد آذربایجان» یاد شده است.

علامه ی مامقانی در مورد «سمند» فرموده:

من وجهی برای «سمندی» پیدا نکردم. (۵)

وی در شرح حال حماد سمندی فرموده:

ص: ۳۰

۱-۱ _ علامه حلّی، ایضاح الاشتباه، ص ۲۵۳، رقم ۵۱۵.

۲-۲ _ عمید، تاریخ و جغرافیا، ص ۵۲۵.

۳-۳ _ معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، ص ۸۳۲.

۴-۴ _ خلف تبریزی، برهان قاطع، ج ۲، ص ۱۱۹۷.

۵-۵ _ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، بخش خاتمه الخاتمه، ص ۱۲۱، (سنگی).

شاید «سمندی» در اصل «سمندری» بوده، راء آن افتاده است. (۱)

«سمندر» نام شهری در پشت باب الابواب، از سرزمین خزر می باشد، که انوشیروان آن را بنا کرده است. (۲)

باب الابواب همان دربند، پایتخت داغستان، در کنار بحر خزر می باشد. (۳)

سمندر همچین نام دهی از دهات چناران مشهد و نام شهری در هندوستان می باشد، که چوب عود را از آنجا می آورند. (۴)

علامه ی مامقانی همچین احتمال داده که «سمندی» به «سمندو» منسوب باشد، (۵) که نام قلعه ای در روم می باشد و اینک «بلگرد» نامیده می شود. که سیف الدوله آن را به سال ۳۳۹ ق. فتح نمود. (۶)

شهر دیگری در هند، در نزدیکی ملتان به نام «سمندور» یافت می شود. (۷) شهر دیگری در صربستان، در ۴۴ کیلومتری جنوب شرقی بلگرد هست، به نام «سمندره» که سلطان مراد دوم به سال ۸۴۲ ق. آن را فتح کرد. (۸)

ص: ۳۱

۱-۱ _ همان، ج ۲۴، ص ۴۵.

۲-۲ _ یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۵۳.

۳-۳ _ معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، ص ۵۲۲.

۴-۴ _ دهخدا، لغتنامه، حرف سین، ص ۶۳۲.

۵-۵ _ مامقانی، همان، ج ۳، ص ۱۲۱، (سنگی).

۶-۶ _ زبیدی، تاج العروس، ج ۲، ص ۳۸۱.

۷-۷ _ یاقوت، همان.

۸-۸ _ شمس الدین سامی، قاموس الأعلام، ج ۵، ص ۲۶۲۹.

«ساره» یا «یساره»؟

ابن عساکر با سلسله اسنادش از ضحاک روایت کرده که نام همسر حضرت ابراهیم علیه السلام «یساره» بود و آن به معنای زن عقیم و نازا می باشد.

هنگامی که حضرت جبرئیل او را به عنوان: «یاساره» خطاب کرده، او دچار شگفت شد، زیرا «ساره» به معنای زن ولود، که رحم او آمادگی بارداری دارد می باشد.

از این رهگذر گفت: نام من یساره است، چگونه مرا ساره خطاب کردی؟ جبرئیل گفت: آری تو یساره (نازا) بودی و اینک ساره می باشی. (۱)

سیوطی نیز این مطلب را از ابن عساکر نقل کرده است. (۲)

شیخ طوسی در مقام تبیین سخن ساره می فرماید:

این سخن بر اساس تعجب بود و گرنه ساره بانوی با ایمان و آشنا با قدرت بی کران پروردگار بود. (۳)

سپس اضافه می کند:

شخص با ایمان نباید از کار خداوند تعجب کند، زیرا او می داند که خداوند بر هر چیزی قادر است. (۴)

در مورد این که یک عمل انسان، چگونه ممکن است آثارش در نسل و تبارش سالیان متمادی جاری و ساری باشد، علامه ی طباطبائی تحقیقاتی دارند، علاقمندان به تفسیر شریف المیزان مراجعه فرمایند. (۵)

ص: ۳۲

۱-۱ _ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۷۳، ص ۱۳۵.

۲-۲ _ سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۴۱.

۳-۳ _ شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج ۶، ص ۳۳.

۴-۴ _ همان، ص ۳۴.

۵-۵ _ طباطبائی، المیزان، ج ۴، ص ۲۰۱-۲۰۵؛ ج ۱۰، ص ۳۳۱-۳۳۲.

تعبیر زیبا و بیان شیوایی که امام به حق ناطق، حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر و تبیین داستان بنی اسرائیل برای امت اسلامی فرمودند، تکلیف سنگین و وظیفه‌ی مهمی را برای امت مشخص می‌کند و آن دعا و تضرع برای تعجیل در امر فرج می‌باشد.

بر اساس بیان امام علیه السلام همه‌ی امت باید توبه کرده، به صورت دسته‌جمعی به درگاه خدا روی آورده، برای تعجیل در امر فرج تضرع نمایند.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا دعا در خلوت مطلوب تر است یا در جلوت؟

در پاسخ باید گفت: اگر موضوع دعا به شخص انسان مربوط باشد، بدون تردید اگر در خلوت باشد، مطلوب تر است. چنانکه در منطق وحی آمده است:

«ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»

پروردگار خود را با تضرع و در پنهانی بخوانید، که او تجاوز کاران را دوست ندارد. (۱)

در این آیه به چندین نکته اشاره شده است:

(۱) دعا باید همراه با تضرع، گریه، التماس و زاری باشد.

(۲) دعا اگر در نهان و به دور از دید دیگران باشد، به اجابت نزدیک تر است.

ص: ۳۳

۳) تارک دعا و یا تارک شرایط دعا، تجاوزگر است. یعنی کسی که دعا نمی کند و سر تعظیم بر آستان پروردگار نمی ساید و یا به هنگام دعا کردن، به جای تقاضا و التماس، طلبکارانه مطالبه می کند و به جای خلوت و اخلاص، ریاکارانه و مزورانه دعا می کند، تجاوزگر است و خداوند تجاوزگران را دوست ندارد.

ولی اگر حادثه همگانی باشد، باید همگان در مساجد و حسینیه ها گرد آیند، تضرع نمایند، از اعمال خود توبه کنند، دست به درگاه خدا بردارند و رفع آن مشکل را از خداوند منان بخواهند، چنانکه در داستان بنی اسرائیل چنین شد.

مرحوم آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری از استاد خود آیه الله سید محمد فشارکی نقل می کند که به هنگام شیوع وبا در سامرا ایشان بر همه ی مردان و زنان از شیعیان سامرا حکم کردند، که در مساجد، تکایا، حرم عسکرین و سرداب مقدس گرد آیند، برای دفع بلای وبا، زیارت عاشورا بخوانند و ثواب آن را به حضرت نرجس خاتون اهداء کنند و ایشان را در نزد فرزند بزرگوارشان شفیع قرار دهند، تا خداوند این بلا را از شیعیان دفع نماید.

مرحوم فشارکی فرمودند: من ضمانت می کنم که هر کس این عمل را انجام دهد، مبتلا به وبا نشود.

آیه الله حائری می فرماید: همه ی شیعیان سامرا این عمل را انجام دادند، در آن مدت شیوع وبا حتی یک نفر از شیعیان فوت نکرد و چون این حادثه دلیل حقانیت شیعیان شد، سنی های سامرا، مردگان خود را شبانه دفن می کردند و برخی از آنها به حرم مطهر عسکرین علیهماالسلام مشرف می شدند و

عرضه می کردند: ما به شما درود می فرستیم، همانگونه که شیعیان می فرستند. (۱)

در عهد زعامت مرحوم آیه الله حاج سید محمد حجت کوهکمری قحطی و گرانی سختی پدید آمد، آن مرحوم چهل نفر از طلاب متدین را انتخاب کردند و به آنها امر فرمودند که به مسجد مقدس جمکران مشرف شوند، در پشت بام مسجد، به صورت دسته جمعی زیارت عاشورا را با صد سلام و صد لعن و دعای علقمه بخوانند، آن گاه به سه باب الحوائج: (۱) حضرت موسی بن جعفر؛ (۲) حضرت ابوالفضل؛ (۳) حضرت علی اصغر علیه السلام متوسل شده، رفع گرانی و نزول باران را از خداوند بخواهند.

چهل تن از طلاب فاضل و متدین به امر مرجعیت شیعه به میعادگاه عاشقان شرفیاب شده، زیارت عاشورا را طبق دستور آن مرجع آگاه انجام دادند و مسجد جمکران را به قصد قم ترک کردند، هنوز به ده جمکران نرسیده بودند که باران رحمت سیل آسا فرو ریخت. (۲)

روی این بیان اگر حادثه همگانی باشد، لازم نیست که شبانه و مخفیانه انجام شود، بلکه لازم است همگان به سوی مساجد و تکایا بسیج شوند، به صورت دسته جمعی توبه کرده، تضرع نموده، رفع آن بلا و فاجعه را از خداوند منان بخواهند.

پس همانگونه که قوم حضرت یونس به صورت دسته جمعی توبه و تضرع کردند و خداوند عذاب را از آنها برگردانید و قوم بنی اسرائیل به صورت دسته جمعی توبه و انابه کردند و خداوند ۱۷۰ سال از دوران

ص: ۳۵

۱-۱ _ این داستان به خط مرحوم آیه الله شیخ مرتضی حائری در نزد اینجانب موجود است.

۲-۲ _ نگارنده، کریمه اهل بیت، ص ۴۸۱.

حیرت و سرگردانی آنها کاهش داد، باید شیعیان جهان با یک بسیج همگانی در مساجد، مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه گرد آمده، به صورت دسته جمعی برای فرج مولا دعا کنند، تا این شاء الله خداوند از بقیه ی دوران غیبت صرف نظر بفرماید و به حجت خود اذن ظهور عنایت فرماید.

چرائی حرمت توقیت

در احادیث اهل بیت علیهم السلام به شدت از تعیین وقت برای ظهور مولا نهی شده و در تعدادی از احادیث به این تعبیر آمده است:

كَذِبَ الْوَقَاتُونَ؛

آنان که وقت تعیین کردند، دروغ گفتند. (۱)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام در موقع قائم علیه السلام پرسید، حضرت فرمود:

كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ؛

توقیت کنندگان دروغ گفتند، ما خاندانی هستیم که وقت تعیین نمی کنیم. (۲)

یکی از علل حرمت تعیین وقت آن است که وقت ظهور اگر چه در نزد خدا مشخص است، ولی هرگز به احدی از انبیا و اولیاء اعلام نشده، زیرا اگر مردم احساس اضطرار کنند و به صورت دسته جمعی توبه و تضرع کنند، وقت ظهور جلو خواهد افتاد.

برخی از پژوهشگران تعبیر: «اختیاری بودن ظهور» را به کار می برند و می گویند که مقداری از وقت ظهور به دست مردم است، زیرا اگر همگان به

ص: ۳۶

۱-۱ _ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۲، ۳، ۵.

۲-۲ _ همان، ح ۳.

سوی خدا تضرع کنند، ظهور اتفاق می افتد.

نگارنده این تعبیر را نمی پسندد، ولی سخن بی جایی نیست، زیرا بیان امام صادق علیه السلام در ذیل داستان بنی اسرائیل در این معنی صراحت دارد.

یکی از موءیدات این معنی تشبیه وقت ظهور به وقت رستاخیز است، قرآن کریم صراحت دارد در این که وقت برپایی رستاخیز را جز خدا احدی نمی داند:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ»؛

در مورد قیامت از تو می پرسند، که کی فرا می رسد، بگو علم آن فقط در نزد پروردگار من است، وقت آن را کسی جز او آشکار نمی سازد. (۱)

بزرگ مفسر قرآن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمود:

مَثَلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ؛

مثل آن حضرت (قائم علیه السلام) مثل رستاخیز است که جز خداوند احدی وقت آن را آشکار نمی سازد. (۲)

تنها چیزی که می تواند وقت آن را جلو بیندازد، دعا و تضرع به درگاه خداوند می باشد.

ص: ۳۷

۱-۱ _ سوره ی اعراف، آیه ی ۱۸۷.

۲-۲ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

تأثیر نیایش از دیدگاه دین و دانش

امام صادق علیه السلام خطاب به: میسر بن عبد العزیز فرمود:

ای میسر دعا کن، مگو که قلم تقدیر آنچه می بایست آن را مقدر نموده است.

زیرا در نزد خداوند جایگاهی هست که جز با تقاضا و درخواست کسی به آن نمی رسد.

اگر کسی دهانش را ببندد و چیزی طلب نکند، خداوند چیزی به او عطا نمی کند.

پس طلب کن تا عطا شوی.

ای میسر کسی دری را نمی کوبد، جز این که امید است به رویش گشوده شود. (۱)

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب فرمود:

أَدْعُ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ وَ لَا تَقُلْ: إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ؛

خدای را بخوان و مگو که دیگر امر تمام شده است.

ص: ۳۹

زراره در تبیین سخن امام علیه السلام می گوید:

منظور حضرت این است که اعتقاد به قضا و قدر ترا از دعا و تلاش بر دعا و اصرار بر دعا مانع نشود. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ الدُّعَاءَ يُرَدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا؛

دعا قضای حتمی را که از آسمان نازل شده و کاملاً حتمی شده است را بر می دارد. (۲)

امام رضا علیه السلام فرمود:

عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ؛

بر شما باد به اسلحه ی پیامبران.

پرسیدند: اسلحه ی پیامبران چیست؟ فرمود: «دعا». (۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

آیا شما را راهنمایی بکنم به اسلحه ای که شما را از دست دشمن نجات دهد و روزی را به سوی شما سرازیر نماید؟

گفتند: آری، فرمود:

تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ؛

شب و روز پروردگارتان را بخوانید، که اسلحه ی مؤمن دعاست. (۴)

خداوند منان می فرماید:

ص: ۴۰

۱-۱ _ همان، ص ۴۶۷، ح ۷.

۲-۲ _ همان، ص ۴۶۹، ح ۳.

۳-۳ _ همان، ص ۴۶۸، ح ۵.

۴-۴ _ همان، ح ۳.

«ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛

مرا بخوانید، تا شما را اجابت نمایم.

و در ادامه می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَكِبُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؛

آنان که از عبادت من سر بتابند، به زودی ذلیلانه وارد دوزخ شوند. (۱)

امام ساجدان و فخر عابدان، در ضمن دعای وداع ماه رمضان به این آیه استناد کرده، می فرماید:

فَسَمِئْتُ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَ تَزَكَّهُ إِسْتِكْبَارًا، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَيَّ تَزَكَّهُ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛

بار خدایا! دعا و نیایش خود را عبادت نام نهادی و ترک آن را کبر و سرکشی نامیدی و بر ترک آن ورود ذلیلانه به دوزخ را وعده دادی. (۲)

در آیه ی دیگر دعا را تنها ملاک عنایت پروردگار معرفی کرده می فرماید:

«قُلْ مَا يَعْجُبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»؛

بگو اگر دعایتان نباشد، پروردگارم به شما اعتنا نمی کند. (۳)

در آیه ای دیگر وعده ی اجابت داده می فرماید:

«أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»؛

نیایش نیایش کننده را اجابت می کنم هنگامی که مرا بخواند. (۴)

ص: ۴۱

۱-۱ _ سوره ی غافر (مؤمن)، آیه ی ۶.

۲-۲ _ صحیفه سجادیه، دعای ۴۵، فیض الاسلام، ص ۳۰۰.

۳-۳ _ سوره ی فرقان، آیه ی ۷۷.

۴-۴ _ سوره ی بقره، آیه ی ۱۸۶.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ - مِنْ فَضْلِهِ إِفْتَقَرَ؛

هر کس از فضل خدا مسألت نکند، فقیر می شود. (۱)

امیر بیان فرمود:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَعْرَاضِ الدُّعَاءُ؛

محبوب ترین اعمال اهل زمین در نزد پروردگار متعال دعاست. (۲)

بر اساس آیات نورانی قرآن و احادیث رسیده از پیشوایان معصوم علیهم السلام تأثیر نیایش از دیدگاه آموزه های دینی تردید ناپذیر است، اما از نظر دانش روز نیز تأثیر آن به اثبات رسیده، که به نقل چند فراز از دانشمندان زیست شناس می پردازیم:

۱. رالف والدو امرسون می نویسد:

هیچکس نیایش را به طور مستمر انجام نداده، جز این که نتیجه ای را به دست آورده است، که سود فراوانی را برای او در بر داشته است. (۳)

۲. دکتر الکسیس کارل می نویسد:

دعای حقیقی می تواند کودک مرده را زنده کند، یا درد را از بدن بیرون براند. (۴)

۳. وی اضافه می کند.

ص: ۴۲

۱-۱ _ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۷، ح ۴.

۲-۲ _ همان، ح ۸.

۳-۳ _ الکسیس کارل، دعا معجزه حیات، ص ۴۹.

۴-۴ _ همان، ص ۷۳.

من به عنوان یک پزشک، بیمارانی را دیده ام که پس از مایوس شدن از هر نوع مداوا، در نتیجه ی تأثیر دعا، از بستر بیماری برخاسته اند.^(۱)

۴. این زیست شناس بزرگ قرن می نویسد:

نیایش اصولاً کشش روح است به سوی جهان متافیزیک و کانون غیر مادی جهان.

نیایش عبارت است از بیان دردی جانکاه، فریاد قلبی پر آه، و یا استغاثه ی انسانی بی پناه.

نیایش پرواز روح است به سوی پروردگار متعال و یک نوع پرستش عاشقانه ی خداوند منان است، که نعمت حیات را به ما ارزانی داشته و این معجزه ی آفرینش را پدید آورده است.^(۲)

۵. وی اضافه می کند:

نیایش معراج روح انسان به سوی خداوند است، و انسان به وسیله ی نیایش، خداوند را با همه ی سلول های خود احساس می کند. نیایش تنها وسیله ی پرواز به عالم بالاست و هرگز هیچ انسانی بدون نیایش نمی تواند به عالم بالا بال بگشاید.^(۳)

۶. دلیل کارنگی در این رابطه می نویسد:

امروز جدیدترین دانش ها _ یعنی روان پزشکی _ همان چیزی را توصیه می کند که پیامبران تعلیم می کردند. زیرا پزشکان روانی

ص: ۴۳

۱-۱ _ همان، ص ۷۲.

۲-۲ _ همان، ص ۴۰.

۳-۳ _ همان، ص ۶۴.

دریافته اند که دعا و نماز و داشتن ایمان محکم به دین، نگرانی و تشویش و هیجان و ترس را که موجب بیش از نیمی از ناراحتی های ماست، برطرف می کند. (۱)

۷. کارل در آثار دیگر خود می نویسد:

حالت دعا و مناجات آثاری در اعضای بدن ما ایجاد می کند که در نوع خود بی سابقه است. در روز اول آن قدرها جالب توجه نیست، اما کم کم وقتی که عادی شد، هیچ لذتی در مقابل آن برابری نمی کند. (۲)

۸. وی در مورد آثار جانکاه حوادث تلخ می نویسد:

بعضی از پزشکان معتقد هستند که غصه های طولانی و نگرانی های مداوم، باعث بیماری سرطان می شود.

موهای سر یک زن محکوم به مرگ در کشور بلژیک از شنیدن خبر اعدام خود تا صبح سفید شده بود.

در بمباران یکی از شهرهای اروپا در دوران جنگ دیده شد که از شدت ترس، بازوی زنی شکافته شد و خون از آن فوران کرد. (۳)

۹. مسیو گوته پزشک طب نخوانده ی فرانسوی، که بیماران را پس از اظهار ناتوانی همه ی پزشکان نامی معالجه می کرد، از جمله روش های او این بود که جملاتی را می ساخت و بیمار را موظف می کرد که آنها را در اوقات و شرایط معینی، به ویژه بامدادان به محض بیدار شدن تکرار

ص: ۴۴

۱-۱ _ دلیل کارنگی، آئین زندگی، ص ۱۵۲.

۲-۲ _ آلکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ص ۹۴.

۳-۳ _ همان، ص ۹۲.

نماید. (۱)

۱۰. کارل می نویسد:

قدرت درمانی نایش بسیار سریع است که آن را می توان به سرعت انفجار تشبیه کرد. (۲)

ص: ۴۵

۱-۱ _ همو، دعا معجزه حیات، ص ۱۱۴.

۲-۲ _ همان، ص ۵۵.

از روزی که انسان بر فراز این کره ی خاکی گام نهاده، نوید منجی و بشارت ظهور موفور السرور مصلح آسمانی، از سوی پیامبران الهی به امت ها داده شده، به آنها فرمان انتظار آن روز موعود و دعا برای تعجیل فرا رسیدن آن روزگار مسعود به طور شفاف رسیده است.

در اینجا بطور فشرده به فرهنگ سازی برای انتظار، توسط پیامبران اشاره می کنیم:

۱. در کتاب «دانیال نبی» آمده است:

خوشا به حال آنان که انتظار کشند. (۱)

۲. در کتاب «حقوق نبی» آمده است:

اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش، که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. (۲)

۳. سرودها و درودهای حضرت داود علیه السلام بر گهای زرین عهد عتیق را به بشارت ظهور و انتظار آن روزهای سرور اختصاص داده، که به شماری از آنها

ص: ۴۷

۱-۱ _ کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، فراز ۱۲.

۲-۲ _ همان، کتاب حقوق نبی، فصل ۲، فراز ۲.

اشاره می کنیم:

- (۱) بلی هر که انتظار ترا می کشد خجل نخواهد شد. (۱)
- (۲) زیرا تو خدای نجات من هستی، تمامی روز منتظر تو بودم. (۲)
- (۳) زیرا که منتظر تو هستم. (۳)
- (۴) برای خداوند منتظر باش و قوی شو، او دلت را تقویت خواهد داد. بلی منتظر خداوند باش. (۴)
- (۵) قوی باشید. او دل شما را تقویت خواهد داد، ای همگانی که برای خداوند انتظار می کشید. (۵)
- (۶) منتظر خداوند باش و طریق او را نگه دار، تا ترا به وراثت زمین برافزاد. (۶)
- (۷) انتظار بسیار برای خداوند کشیده ام. (۷)
- (۸) چشمانم از انتظار خداوند تار گردیده است. (۸)
- (۹) منتظر خداوند هستم. جان منتظر من است و به کلام او امیدوار. (۹)
- (۱۰) جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح، بلی زیاده از منتظران صبح. (۱۰)

ص: ۴۸

-
- ۱-۱ _ همان، مزامیر داود، زمور ۲۵، فراز ۲.
 - ۲-۲ _ همان، فراز ۵.
 - ۳-۳ _ همان، فراز ۲۲.
 - ۴-۴ _ همان، زمور ۲۷، فراز ۱۴.
 - ۵-۵ _ همان، زمور ۳۱، فراز ۲۴.
 - ۶-۶ _ همان، زمور ۳۷، فراز ۳۴.
 - ۷-۷ _ همان، زمور ۴۰، فراز ۱.
 - ۸-۸ _ همان، زمور ۶۹، فراز ۳.
 - ۹-۹ _ همان، زمور ۱۳۰، فراز ۵.
 - ۱۰-۱۰ _ همان، فراز ۶.

۴. در کتاب «اشعیانی» آمده است:

ای خداوند بر ما ترحم فرما که منتظر تو هستیم. (۱)

۵. در انجیل متی آمده است:

لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید. (۲)

۶. در انجیل مرقس آمده است:

ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر (۳) هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم (۴). پس بر حذر باشید و

بیدار شده دعا کنید. زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود. (۵)

۷. در انجیل لوقا آمده است:

کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را افروخته بدارید. شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه

وقت از عروسی مراجعت می کند. تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند. (۶)

و در ادامه می فرماید:

پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید، پسر انسان می آید. (۷)

ص: ۴۹

۱-۱ _ همان، کتاب اشعیا نبی، باب ۳۳، فراز ۲.

۲-۲ _ کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴، فراز ۴۴.

۳-۳ _ پدر در اصطلاح اناجیل یعنی خداوند متعال.

۴-۴ _ پسر در اصطلاح اناجیل یعنی حضرت عیسی علیه السلام.

۵-۵ _ همان، انجیل مرقس، باب ۱۳، فراز ۳۳.

۶-۶ _ همان، انجیل لوقا، باب ۱۲، فراز ۳۵.

۷-۷ _ همان، فراز ۶۰.

بر اساس تحقیقات مستر هاکس آمریکایی واژه ی «پسر انسان» ۸۰ بار در اناجیل و ملحقات آن به کار رفته، که تنها ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل انطباق است (۱) و ۵۰ مورد آن پیرامون موعود اسلام می باشد.

نمونه های کوتاهی که از تورات، انجیل، زبور و دیگر کتب انبیای پیشین در مورد انتظار تقدیم گردید، دقیقا با آموزه های اسلام منطبق است و حکایت از وحیانی بودن آنها می کند.

ما معتقدیم که همه ی کتاب های آسمانی به جز قرآن کریم دستخوش تحریف شده اند، ولی همسویی و انطباق کامل نویدهای مربوط به منجی با آموزه های اسلامی، دلالت می کند که این فرازها به لطف پروردگار از تحریف مصون مانده است.

خاتم پیامبران سرخیل منتظران

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج وحی شد که آیا می خواهی اوصیای خود را ببینی؟

عرض کرد: آری.

خطاب شد: سرت را بالا بیاور.

چون سر مبارکش را بالا آورد، انوار طیبه ی علی و فاطمه و حسن و حسین و نه تن دیگر از امامان را در قائمه ی عرش الهی مشاهده کرد.

در آن میان حضرت حجه ابن الحسن، مهدی قائم (عج) را همانند ستاره ای فروزان به حالت ایستاده مشاهده کرد. پرسید: بار خدایا! اینها

ص: ۵۰

کیانند؟ خطاب شد: اینها امامان هستند و آن ستاره ی فروزان که به حالت ایستاده می بینی، همان قیام کننده ایست که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام گرداند و من به وسیله ی او از دشمنان خود انتقام می گیرم، او وسیله ی آرامش اولیای من است، دل های شیعیانت را بهبودی می دهد، انتقام آنها را از ستمگران، کافران و ملحدان می گیرد. لات و عزی را به صورت تر و تازه از زمین بیرون می کشد و طعمه ی حریق می سازد. آزمون آن روز از آزمایش گوساله ی سامری شدیدتر است. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن شب به خیل منتظران پیوست و منطق وحی از این دل بستگی و چشم به راهی پرده برداشت:

«فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»؛

بگو: که «غیب» از آن خداست، شما چشم به راه باشید، من نیز همراه شما از چشم به راهان هستم. (۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر واژه ی غیب فرمود:

منظور از غیب حجت غائب می باشد. (۳)

در این آیه ی مبارکه خداوند منان به خاتم رسولان امر می فرماید که به امت بگوید: امام غائب از آن خداست، همگی چشم به راه او باشید، که من پیامبر نیز همراه شما از خیل منتظران هستم.

از این رهگذر هنگامی که از آن امام منتظر سخن می گوید، بایک ادبیات خاص، میزان عشق و علاقه و دل بستگی اش را بیان می کند و می فرماید:

ص: ۵۱

۱-۱ _ شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۴۷.

۲-۲ _ سوره ی یونس، آیه ی ۲۰.

۳-۳ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۰.

طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهِ؛

خوشا به حال کسی که او را دیدار کند.

طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ

خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد.

طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ؛

خوشا به حال کسی که به او معتقد باشد. (۱)

سرور اولیاء در اشتیاق خاتم اوصیا امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، در وصف کعبه ی خوبان و قبله ی مشتاقان فرمود:

شیر بیشه ی شجاعت، ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد،

بیکارگر همیشه پیروز، قهرمان دشمن شکن و...

در پایان دست مبارک خود را بر سینه نهاد و فرمود:

شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِ؛

آه، من علی چقدر به دیدارش مشتاقم. (۲)

در حدیث دیگر از یاران حضرت سخن گفته، در پایان می فرماید:

وَ يَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَيْتِهِمْ فِي حَالِ حُضُورِ دَوْلَتِهِمْ؛

آه، چقدر مشتاقم که آنها را به هنگام طلوع ستاره ی دولتشان دیدار نمایم. (۳)

مولای متقیان بیش از دو قرن پیش از ولادت آن ستاره ی فروزان، در قنوت نمازهای خود می فرمود:

ص: ۵۲

۱-۱ _ جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲-۲ _ نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۳.

۳-۳ _ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷۰.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَغَيَّبَهُ إِمَامِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَلٍ تُظْهِرُهُ وَ إِمَامٍ حَقٌّ نَعْرِفُهُ؛

بار خدایا! ما به تو شکایت می کنیم که پیامبر ما از دست ما رفته و امام ما در دسترس ما قرار نگرفته است.

بار خدایا! این غم و اندوه را با عدالتی که ظاهر سازی و امام حقی که از او شناخت داریم، از ما بزدای. (۱)

امام باقر علیه السلام این متن را به زراره تعلیم نمود که در روزهای جمعه در قنوتهای نمازهایش بخواند. (۲)

شهید اول پس از نقل این متن می فرماید:

امام صادق علیه السلام آن را به شیعیان خود تعلیم می کرد و می فرمود:

این قنوت امیر مؤمنان علیه السلام را پس از کلمات فرج در قنوت های نمازهای خود بخوانید. (۳)

فخر ساجدان در اشتیاق امام عارفان

زینت عابدان، فخر ساجدان، حضرت امام سجاد علیه السلام در صحرای عرفات، بخشی از دعای عرفه ی خود را به اظهار اشتیاق به موعود آخر الزمان اختصاص داده در فرازی از آن می فرماید:

وَ أَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا؛

بار خدایا! امر امام ما را اصلاح بفرما.

اللَّهُمَّ اِمْلَأِ الْاَرْضَ بِهٖ عَدْلًا وَ قِسْطًا؛

ص: ۵۳

۱- ۱ _ محدث نوری، مستدرک وسائل، ج ۴، ص ۴۰۴.

۲- ۲ _ شیخ طوسی، مصباح المتهدج، ص ۳۶۷؛ سید ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۴۱۳.

۳- ۳ _ شهید اول، ذکری، ص ۱۸۴.

بار خدایا! روی زمین را به وسیله ی او آکنده از عدل و داد بفرما.

وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَ شِيَعَتِهِ؛

مرا از بهترین یاران و شیعیانش قرار بده.

وَ ارْزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛

به من توفیق شهادت در رکابش روزی بفرما. (۱)

امام زین العابدین علیه السلام بیش از یک قرن و نیم پیش از میلاد مسعود آن کعبه ی موعود، در صحرای عرفات، در دعای عرفه، به هنگام مناجات با پروردگار متعال این تعبیرهای بلند را در حق آن امام عزیز بر زبان می آورد.

در برابر این تعبیرات شگرف پیامبر اکرم، امیر مؤمنان و امام سجاد علیهم السلام ما واژگانی پیدا نمی کنیم که بتوانیم عرض ادب و اشتیاق خود را به آن رشک ملک و پیشوای انس و جان بر زبان جاری کنیم.

وجوب انتظار

علاوه بر آیه ی شریفه ی سوره ی یونس، که در آن به انتظار امر شده، در احادیث فراوان به ضرورت و وجوب انتظار تصریح شده، که از آن جمله است:

۱. امام جواد علیه السلام خطاب به حضرت عبدالعظیم حسنی فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ مِمَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ، الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ، وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ، وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي؛

قائم ما اهل بیت آن مهدی است که انتظار کشیدنش در دوران غیبتش

ص: ۵۴

واجب است و پس از ظهور باید از او اطاعت نمود و او سومین فرزند من است. (۱)

۲. امام باقر علیه السلام در پاسخ این پرسش که: دینی که خداوند بدون آن عملی را نمی پذیرد، کدام است؟ فرمود:

شهادت دادن به وحدانیت خداوند یکتا و بی شریک، رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، اعتراف به آنچه از سوی پروردگار آمده، اعتقاد به ولایت ما اهل بیت، بیزاری جستن از دشمنان ما، تسلیم فرمان ما، پرهیزکاری، تواضع و انتظار قائم ما، که برای ما دولتی است، که خداوند هر وقت بخواهد آن را می آورد. (۲)

۳. در حدیث دیگری در پاسخ ابوالجارود که گفت: به من خبر دهید، آنچه را که شما و خاندانتان به آن معتقد هستید؟ فرمود:

شهادت به یکتایی خدا، رسالت پیامبر، اقرار به آنچه از سوی خداوند آورده، ولایت ولی ما، بیزاری از دشمنان ما، تسلیم به فرمان ما، انتظار قائم ما، تلاش و پارسایی. (۳)

۴. رئیس مذهب ما، امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به شما خبر دهم، چیزی را که خداوند هیچ عملی را بدون آن نمی پذیرد؟

ابو بصیر گفت: آری. فرمود:

شهادت به وحدانیت خدا، رسالت و بندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، اعتراف به اوامر پروردگار، ولایت ما، براءت از دشمنان ما، تسلیم در

ص: ۵۵

۱-۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲-۲ _ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۱۳.

۳-۳ _ همان، ص ۲۱، ح ۱۰.

برابر امامان، پارسایی، تلاش و انتظار قائم ما. (۱)

سپس فرمود: هر کس بخواهد از یاران قائم ما باشد، باید انتظار بکشد، تقوا پیشه کند، با اخلاق نیکو رفتار کند، در حالی که منتظر باشد.

۵. امام صادق علیه السلام در مورد تکلیف شیعیان در عصر غیبت فرمود:

وَ اَنْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً؛

هر روز بامدادان و شامگاهان در انتظار فرج باش. (۲)

وجوب انتظار در آیین یهود

در آیین یهود از منجی به عنوان: «ماشیح» تعبیر شده است.

برخی از علمای یهود کتاب مستقل در مورد ماشیح و وجوب انتظار او نوشته اند.

موسی بن میمون، مشهور به: «هارامبام» (۱۲۰۴-۱۱۳۵ م) رئیس معنوی یهود می گوید:

هر فرد یهودی که به «ماشیح» اعتقاد نداشته باشد و یا چشم به راه آمدن او نباشد، منکر سخنان حضرت موسی و سایر پیامبران بنی اسرائیل است، زیرا موضوع ماشیح به کرات در متون مقدس عنوان شده است. (۳)

«ایمانوئل شوخط» پیرامون مقام رفیع منجی می نویسد:

طبق عقیده ی هارامبام، عقل و دانش او از حضرت سلیمان نیز بیشتر است.

ص: ۵۶

۱-۱ _ نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲-۲ _ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳.

۳-۳ _ انجمن کلیمیان تهران، نشریه بینا، سال اول، شماره ۴، چاپ ۱۳۷۸ ش.

سپس اضافه می کند:

او از پدران قوم یهود (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) و نیز از همه ی پیامبران بنی اسرائیل که پس از حضرت موسی بر انگیزته شده اند، بلند مرتبه تر خواهد بود. (۱)

«جولیوس کرینستون» در کتاب ارزشمند خود از مقام عصمت ماشیح، همواره زیر نظر روح القدس بودن او، آگاهی گسترده اش از ژرف ترین رازها و قدرتش برزنده کردن مردگان به تفصیل سخن گفته است.

«شلمو اشمیدت» در کتاب خود به تفصیل از منجی سخن گفته، در پایان می نویسد:

ایمان به ظهور ماشیح یکی از اصول دین یهود می باشد. (۲)

آن گاه از «اریه نیومن» نقل می کند که گفته است:

هر گونه تحقیق و پژوهش پیرامون یهود، نمی تواند از اعتقاد به ظهور ماشیح غافل باشد. (۳)

نگاهی گذرا به فرازهای یاد شده از کتاب مقدس (تورات، انجیل و دیگر کتب انبیای پیشین) و سخنان فرهیختگان مسیحیان و کلیمیان به روشنی اثبات می کند که انتظار منجی و اعتقاد به ضرورت انتظار، منحصر به مسلمانان نمی باشد، بلکه ریشه در همه ی ادیان ابراهیمی و کتب آسمانی دارد.

تعبیر شفاف و صریح هارامبام در مورد منکران ماشیح، ما را به یاد حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می اندازد که فرمود:

ص: ۵۷

۱-۱ _ جولیوس کرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۴۸.

۲-۲ _ شلمو اشمیدت، واژه های فرهنگ یهود، ص ۲۱۶.

۳-۳ _ همان، ص ۳۶.

مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ؛

هر کس حضرت مهدی علیه السلام را تکذیب کند کافر شده است.

این حدیث به همین تعبیر در بسیاری از منابع حدیثی عامه آمده است، از آن جمله:

۱. عقد الدرر، تألیف: یوسف بن یحیی مقدسی سلمی _ قرن هفتم _

۲. فوائد الاخبار، تألیف: ابوبکر اسکاف، متوفای ۳۵۲ ق.

۳. الروض الانف، تألیف: ابوالقاسم سهیلی، متوفای ۵۸۱ ق.

۴. العرف الوردی، تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق.

۵. فرائد فوائد الفکر، تألیف: مرعی بن یوسف مقدسی _ قرن یازدهم _

۶. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تألیف: متقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق.

۷. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، تألیف: ابن حجر هیثمی مکی، متوفای ۹۷۴ ق.

۸. شیخ الاسلام، ابراهیم بن محمد جوینی، متوفای ۷۳۰ ق. که آن را به این تعبیر نقل کرده است:

مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ؛

هر کس خروج مهدی را انکار کند، به آنچه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کافر گشته است. (۱)

۹. شیخ الاسلام، سلیمان بن ابراهیم حنفی قندوزی، متوفای ۱۲۹۴ ق. نیز به همان تعبیر نقل کرده است. (۲)

ص: ۵۸

۱-۱ _ جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴.

۲-۲ _ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۹۵.

۱۰. محمد انور شاه کشمیری، متوفای ۱۳۵۲ ق. نیز آن را متواتر دانسته و به همان تعبیر نقل کرده است. (۱)

فضیلت انتظار

در احادیث فراوان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوان معصوم علیهم السلام بر ضرورت، اهمیّت و فضیلت انتظار و منتظران تأکید شده، که به شماری از آنها در اینجا اشاره می کنیم:

۱. وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛

برترین عمل امت من انتظار فرج از خدا می باشد. (۲)

۲. از محضر مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام پرسیدند: کدامین عمل در نزد پروردگار محبوب تر است؟

فرمود: انتظار فرج. (۳)

۳. امیر بیان در فرازی از حدیث: «اربعمائه» فرمود:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ؛

برترین عمل انسان، انتظار فرج از خداوند منان می باشد. (۴)

۴. در فراز دیگری از آن حدیث فرمود:

الْأَخَذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَضِيرَةِ الْقُدْسِ، وَالْمُنْتِظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ

ص: ۵۹

۱-۱ _ کشمیری، التصريح بما تواتر في نزول المسيح، ص ۲۴۲، ح ۶۰.

۲-۲ _ شيخ صدوق، عيون الأخبار، ج ۲، ص ۳۶، ب ۳۱، ح ۸۷.

۳-۳ _ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۴-۴ _ شيخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱.

بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛

کسی که به امر ما چنگ بزند، فردا در بهشت با ماست، و کسی که امر ما را انتظار بکشد، همانند کسی است که در راه خدا به خون خود آغشته شده باشد. (۱)

۵. فخر ساجدان و زینت عابدان به ابو خالد کابلی فرمود:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ، الْفَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ، وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛

اهل زمان غیبت آن حضرت، که قائل به امامت او و منتظر ظهور او هستند، از اهل هر زمان دیگر برترند.

و در پایان فرمود:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفُرَجِ؛

انتظار فرج خود از برترین فرج ها می باشد. (۲)

۶. رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا لَهُ، كَانَ كَمَنْ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛

کسی که از شما بر ولایت ما و در انتظار امر ما بمیرد، همانند کسی است که در چادر فرماندهی قائم علیه السلام باشد. (۳)

۷. در حدیث دیگری فرمود:

الْفَائِلُ مِنْكُمْ: إِنْ أَدْرَكَتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتُهُ، كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ، وَالشَّهِيدُ مَعَهُ لَهُ شَهَادَتَانِ؛

ص: ۶۰

۱-۱ _ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲-۲ _ طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۸.

۳-۳ _ برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۵۴۴.

کسی که از شما بگوید: اگر من قائم آل محمد علیه السلام را درک کنم، او را یاری می کنم، همانند کسی است که در رکاب او شمشیر بزند. و اگر در رکاب آن حضرت شهید شود پاداش دو شهید دارد. (۱)

۸. در بیان دیگری فرمود:

إِنَّ الْمَيِّتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ، بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛

کسی که از شما بر این امر _ اعتقاد به ولایت و انتظار فرج _ بمیرد، همانند کسی است که در راه خدا شمشیر بزند. (۲)

۹. امام جواد علیه السلام فرمود:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است. (۳)

۱۰. امام حسن عسکری علیه السلام به شیخ صدوق نوشت:

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ إِنْتِظَارِ الْفَرَجِ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

بر تو باد شکیبایی و انتظار فرج، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برترین اعمال امت من انتظار فرج می باشد. (۴)

ص: ۶۱

۱-۱ _ همان، ص ۲۷۸، ح ۵۴۵.

۲-۲ _ همان، ح ۵۴۷.

۳-۳ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۴-۴ _ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۵۹.

حضرت یعقوب به مدت ۲۰ سال فرهنگ انتظار را آزمود، در این مدت طولانی در فراق فرزند دلبندهش حضرت یوسف علیه السلام اشک ریخت، سرانجام دیدگانش در اثر غم و اندوه کم سو شد و بینایی اش را از دست داد.

در این مدت همواره از عزیزش یاد می کرد و با یاد او شب را به سحر می رسانید. در این مدت زخم زبان ها شنید و امیدش را از دست نداد و همچنان در انتظار فرا رسیدن روز وصال بود.

پس از ۲۰ سال گریه، تضرع، سوختن و ساختن، گامی فراتر نهاد و فرمان تحسس به فرزندان صادر نمود:

«يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوْا مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يَيۡسُ مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوۡمُ الْكٰفِرُوْنَ»؛

ای فرزندان من! بروید از یوسف و برادرش جست و جو کنید، از رحمت خدا مأیوس نشوید، که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می شوند. (۱)

ص: ۶۳

حضرت یعقوب پس از ۲۰ سال گریه و سوز و گداز در فراق حضرت یوسف، فرمان تحسس صادر نمود. (۱)

کلواژه ی تحسس

دو واژه ی «تحسس» و «تجسس» هر دو به معنای جست و جو می باشد، جز این که واژه ی «تحسس» در خیر و واژه ی تجسس در شر به کار می رود. (۲)

کسی که تحسس می کند، بر اساس عواطف و احساسات به دنبال گمشده اش می گردد، تا از او سر نخ پیدا کند، ولی کسی که تجسس می کند، او جاسوس دیگران است، به دنبال عیوب مردم می گردد، تا خبر آن را به دیگران بدهد.

پس از تحسس بود که خداوند به حضرت یوسف اذن فرمود که خود را برای برادرانش معرفی کند و پیراهنش را برای پدرش بفرستد، تا به برکت آن بینایی اش به او برگردد.

در روایات فراوان آمده است که آن پیراهن، پیراهن بهشتی بود، هنگامی که قهرمان توحید را به آتش می انداختند، پیک وحی فرود آمد و آن پیراهن را از بهشت برای آن حضرت آورد، که آتش در آن تأثیر نکرد و آتش برای حضرت ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت شد.

حضرت ابراهیم آن پیراهن را به فرزندش اسحاق و او نیز به فرزندش یعقوب عطا کرد.

ص: ۶۴

۱-۱ _ عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۳۶۰، ح ۶۵.

۲-۲ _ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۹۲.

حضرت یعقوب هنگامی که حضرت یوسف را با برادرانش به صحرا می فرستاد آن را به بازوی او بست.

آن پیراهن جزء ودایع نبوت است، که به پیامبر اکرم، از آن حضرت به مولای متقیان و هکذا به محضر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه رسیده است. (۱)

پس از نقل این فراز از زندگانی پر بار حضرت یعقوب علیه السلام بر امت اسلامی است که از مکتب حضرت یعقوب علیه السلام فرهنگ تحسس را بیاموزند و برای به دست آوردن رد پای از یوسف زهرا به جست و جو پردازند.

بر مراجع تقلید، علمای اعلام و دلسوختگان درآشناست که با یک بسیج همگانی در ایام خاص، به مظان وجود آن حضرت رهسپار شوند، با تضرع، گریه، ناله، سوز و گداز به دنبال آن محبوب به جستجو پردازند.

بر اساس روایات فراوان، درموسم حج همه ساله آن حضرت در مراسم حج شرکت می کنند، به دعای حاجیان آمین می گویند، ایشان حجاج را می بیند و می شناسد، ولی انبوه حجاج آن حضرت را نمی بینند و یا می شناسند. (۲)

بر اساس آیه ی شریفه ی «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ» یعنی: مردمان را به سوی حج فراخوان که به سویت بیایند، اصولاً فراخوانی حضرت ابراهیم علیه السلام به سوی کعبه ی معظمه، برای رسیدن به محضر حجت خدا می باشد، و گرنه به جای: «یأتوک» می بایست «یأتونه» گفته شود.

از این رهگذر علی بن ابراهیم بن مهزیار، بیست بار به قصد زیارت

ص: ۶۵

۱-۱ _ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۵.

۲-۲ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۳۴۷، ۳۵۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ و ۱۵۶.

حجت خدا از اهواز تا سرزمین وحی مشرف شده، چون به محضر آن حضرت نرسیده، سال دیگر باز این همه راه دور و دراز را با امکانات آن روزی طی کرده، خود را در ایام حج به سرزمین حجاز رسانیده، سرانجام توفیق رفیق شده، به محضر مقدس کعبه ی مقصود مشرف شده، دیگر به زیارت خانه ی خدا نرفته است. (۱)

مطمئن ترین نقطه برای عاشقان کوی محبوب، عصر روز عرفه، سرزمین عرفات است، که یوسف زهرا بی گمان در آن نقطه همه ساله حضور دارند.

شیخ طوسی از برخی دیگر از نیک بختان روایت کرده که در روز ششم ذیحجه الحرام، به سال ۲۹۳ ق. در کنار کعبه، به زیارت آن حضرت مشرف شده اند. (۲)

در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام سؤال شده که اگر برای شما حادثه ای رخ دهد، در کجا از فرزند بزرگوارتان سراغ بگیریم؟ فرمود: مدینه. (۳)

امام باقر علیه السلام فرمود:

لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزْلِهِ، وَلَا بُدَّ فِي عَزْلَتِهِ مِنْ قُوَّةٍ، وَمَا بِثَلَاثِينَ مِنْ وَحْشَةٍ، وَ نِعْمَ الْمَنْزِلُ طَيِّبٌ؛

برای صاحب این امر یک دوران عزلت نشینی هست، در آن ایام برای او نیرو لازم است، با سی نفر دیگر وحشتی نیست، وه مدینه چه جایگاه خوبی است. (۴)

ص: ۶۶

۱-۱ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۶۳، ح ۲۲۸.

۲-۲ _ همان، ص ۲۵۹، ح ۲۲۷.

۳-۳ _ همان، ص ۲۳۲، ح ۱۹۹.

۴-۴ _ همان، ص ۱۶۲، ح ۱۲۱.

از این حدیث شریف چندین نکته استفاده می شود:

۱. در روزگار غیبت قسمتی از اقامت آن حضرت در مدینه می باشد.

۲. در آن دوران افرادی در محضر آن حضرت هستند.

۳. تعداد این افراد ۳۰ نفر می باشد.

۴. اگر یکی از این افراد از دنیا برود شخص دیگری جایگزین او می شود. (۱)

تعداد تشرفات به محضر قبله ی موعود در مکه و مدینه به قدری زیاد است، که یکی از عزیزان کتاب مستقلی در این رابطه تألیف کرده و آن را «دیدار با امام زمان در مکه و مدینه» نام نهاده است.

در طول سال شب ها و روزهایی به زیارت سالار شهیدان اختصاص یافته، که از آن جمله است: شب عاشورا، شب اول رجب، شب نیمه ی رجب، شب نیمه ی شعبان، شبهای قدر، شب عید فطر، شب عید قربان، شبهای جمعه، روز عرفه و روز اربعین، که برای هر یک از آنها زیارت‌های مخصوص از معصومین علیهم السلام رسیده است. (۲)

با توجه به اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام در این اوقات و این که تمام دنیا در برابر امام زمان علیه السلام همانند کف دست آن حضرت می باشد، هرگز احتمال نمی رود که در این روزها و شبهای خاص حضرت بقیه الله در حرم سالار شهیدان حضور پیدا نکند و چنین فضیلت بزرگی را از دست بدهد.

از این رهگذر شایسته است که عاشقان کوی آن حضرت در این ایام به

ص: ۶۷

۱- ۱ _ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

۲- ۲ _ نگارنده زیارت های مطلقه و مخصوصه ی امام حسین علیه السلام را در کتاب: «نبراس الزائر فی زیاره الحائر» گرد آورده است.

جستجوی آن حضرت در حرم امام حسین علیه السلام بپردازند.

در طول سال روزهایی به زیارت مولای متقیان، امیر مؤمنان علیه السلام اختصاص دارد، چون روز غدیر، شب مبعث، روز میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، روز ولادت و شهادت آن حضرت، روز فتح مکه، روز فتح خیبر، روز مباحله، روز خاتم بخشی، روز ردّ الشمس و دیگر ایامی که به آن حضرت اختصاص دارد(۱) و برای بسیاری از آنها زیارت مخصوص از معصومین علیهم السلام رسیده است. (۲)

در این ایام زیارتی بسیار بعید است که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به زیارت حرم مطهر مولای متقیان مشرف نشود و چنین فضیلت بزرگی را از دست بدهد.

برخی از نیک بختان در طول تاریخ در حرم مطهر مولای متقیان توفیق تشریف پیدا کرده اند که یک نمونه ی آن تشریف شیخ علی بحرانی است، که آن کعبه ی مقصود و قبله ی موعود را در حرم آن حضرت دیده بود که برای فرج خود این گونه دعا می کند:

اللَّهُمَّ هَذَا دِينُكَ أَصْبَحَ بَاكِياً لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِدِينِكَ؛

خداوندا! این دین تست که در نبود ولایت گریان است، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ولایت، از باب ترحم بر دین خود تعجیل فرما.

اللَّهُمَّ هَذَا كِتَابُكَ أَصْبَحَ بَاكِياً لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِكِتَابِكَ؛

ص: ۶۸

۱-۱ _ نگارنده، نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین، ص ۱۹۹.

۲-۲ _ همان، ص ۱۴۲_ ۱۹۸.

خداوندا! این کتاب تست که در نبود ولایت گریان است، بر محمد و آل محمد درود بفرست و از باب ترحم بر کتاب خود، در فرج ولایت تعجیل فرما.

اللَّهُمَّ وَ هَذَا أَعْيُنُ الْمُؤْمِنِينَ أَصْبَحَتْ بَاكِياً لِفَقْدِ وَلِيِّكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ؛

خداوندا! این دیدگان مؤمنان است که در نبود ولایت گریان است، بر محمد و آل محمد درود بفرست و از باب ترحم بر مؤمنان، در فرج ولایت تعجیل فرما. (۱)

در طول سال، روزهایی به زیارت امام رضا علیه السلام اختصاص دارد، که از آن جمله است: روز ولادت، شهادت، ولایت عهدی و حرکت آن حضرت از مدینه ی منوره (۲۳ ذیقعه) و روز دحو الارض (۲۵ ذیقعه) و روز اول رجب. (۲)

هرگز تصور نمی شود که آن امام همام در چنین ایامی به زیارت جدّ بزرگوارش تشریف نیاورد و از فیض زیارت آن حضرت در چنین روزهایی چشم پوشد.

اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام

از دیگر اماکن مقدسی که لازم است شیفتگان کوی حضرت به آنها مشرف شده، در آنها به جستجوی محبوب خود پردازند، اماکنی است که به قدوم آن حضرت زینت یافته است.

ص: ۶۹

۱- ۱ _ رک، نگارنده، تنها ره رهایی، ص ۷۸.

۲- ۲ _ میرداماد، أربعه ایام، ص ۵۲.

صاحب مکیال از مسجد سهله، مسجد اعظم کوفه، سرداب مقدس و مسجد جمکران به عنوان نمونه نام برده می فرماید:

اینها مواضعی است که بعضی از صلحا در آنها به محضر آن حضرت مشرف شده اند.^(۱)

نگارنده یکی از معجزات باهره ی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را در مسجد مقدس جمکران، در مورد یک نوجوان زاهدانی، به نام «سعید چندانی»، به چشم خود دیده و شرح آن را در آثار خود آورده است.^(۲)

شبهای چهارشنبه مسجد سهله و مسجد جمکران، میعاد گاه عاشقان شیفته ارادتمندان دل سوخته است، که از اقطار و اکناف جهان، به عشق مولا و امید دیدار یوسف زهرا، به این اماکن مقدس روی می آورند و جمعی از آنها به دیدار آن حضرت موفق می شوند.

نگارنده تعداد چهل تن از باریافتگان به دیدار یار در مسجد سهله را از منابع مورد اعتماد گرد آورده است.^(۳)

نگارنده تعداد ۵۰ ویژگی از ویژگی های مسجد سهله را بر اساس روایات وارده از معصومین علیهم السلام بیان کرده است.^(۴)

نگارنده همچنین تعداد ۷۵ حدیث پیرامون مسجد اعظم کوفه بر شمرده^(۵) سپس داستان تشریف ده تن از سعادت‌مندان را به محضر آن

ص: ۷۰

۱-۱ _ موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲-۲ _ فصلنامه انتظار، شماره ۵، ص ۳۴۷_۳۵۰؛ کریمه اهل بیت، ص ۴۷۴_۴۷۹.

۳-۳ _ نگارنده، میعاد نور، ص ۷۶_۹۶.

۴-۴ _ همان، ص ۵۲_۷۶.

۵-۵ _ همان، ص ۱۰۴_۱۴۱.

کعبه ی خوبان آورده است. (۱)

قدمگاه های امام نور به مسجد سهله و کوفه و جمکران منحصر نمی باشد، بلکه اماکن مقدس دیگری چون: مقام حضرت مهدی در حله، در کربلا، در نجف اشرف، مسجد امام حسن مجتبی در قم و مسجد المحدثین در بابل به آن حضرت منسوب است و جمعی از نیکبختان در این اماکن مقدسه به دیدار آن حضرت توفیق یافته اند.

نگارنده در مورد مقام حضرت مهدی علیه السلام در وادی السلام نجف اشرف به تفصیل بحث کرده و تعدادی از بار یافتگان را بر شمرده است. (۲)

در میان اماکن زیارتی منتسب به آن حضرت، سرداب مقدس از قداست خاصی برخوردار است، که محل تولد آن امام نور و محل اقامت آن حضرت از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ ق. یعنی از ولادت آن حضرت تا شهادت پدر بزرگوارش می باشد، که صدها نفر در آن ایام به محضر آن حضرت شرفیاب شده اند (۳) و جمع کثیری در طول قرون و اعصار، در دوران غیبت صغری و کبری در آن مکان مقدس توفیق تشریف پیدا کرده اند که به برخی از آنها در آثار خود اشاره کرده ایم. (۴)

اینک بر شیفتگان کوی محبوب و راهیان دیار یار لازم است که در اماکن یاد شده، حضور یافته، در به در به دنبال یوسف زهرا بگردند، با نغمه های «یا ابن الحسن» مولا را مخاطب ساخته، با گریه، تضرع، توبه و استغفار

ص: ۷۱

۱-۱ _ همان، ص ۱۴۲ _ ۱۶۶.

۲-۲ _ همان، ص ۲۴۳ _ ۳۰۰.

۳-۳ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۲۹ _ ۲۵۱.

۴-۴ _ نگارنده، تشریف در سرداب مقدس، ص ۸۰ _ ۸۴.

قلب مولا را به خود منعطف سازند، همانگونه که برادران یوسف به اشتباه خود پی برده، از اعماق دل توبه نموده، از پدر خود تقاضای طلب مغفرت کردند و گفتند:

«يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»؛

پدر جان! برای ما طلب مغفرت کن که ما گنهکار بودیم. (۱)

ما نیز باید به قصور و تقصیر خود اعتراف کرده، از ته دل توبه کرده؛ با همه ی سلول ها مغزمان متوجه یوسف زهرا شده، از او بخواهیم که در درگاه حضرت احدیت شفاعت کند و در حق ما طلب مغفرت نماید.

آن گاه با احساس خاص و دل پاک به تحسس پرداخته، مولای خود را مخاطب قرار داده عرضه بداریم:

« يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضُّرَّ وَجِنَّا بِيضَاعِهِ مُزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ »؛

ای عزیز _ فاطمه _ دردی جانگاہ بر ما و اهل ما فرو ریخته، با بضاعتی اندک به سویت آمده ایم، پیمانہ ی ما را پر کن و بر ما تصدق فرما، که خداوند متصدق ها را پاداش می دهد. (۲)

ص: ۷۲

۱-۱ _ سوره ی یوسف، آیه ی ۹۷.

۲-۲ _ همان، آیه ی ۸۸.

پیش شرط های درک ظهور

برای توفیق درک ظهور موفور السرور آن امام نور، پیش شرط هایی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. استواری در عقاید حقه (۱)

۲. دعا برای تعجیل در امر فرج (۲)

۳. انتظار فرج (۳)

۴. تقوا و پارسایی (۴)

۵. متخلق شدن به محاسن اخلاقی. (۵)

۶. پیروی از منویات آن حضرت در عهد غیبت. (۶)

۷. دوستی با دوستان مولا و بیزاری از دشمنان مولا. (۷)

هر یک از این پیش شرط ها و ارتباط آن با درک محضر مولا تفصیلی دارد که در این صفحات نمی گنجد، فقط در توضیح آخرین فراز، از یک دانشمند نامی نام می بریم که پیش از میلاد مسعود حضرت بقیه الله از دنیا رفته و کتاب مستقلی به نام: «اخبار المهدی» پیرامون آن حضرت تألیف

ص: ۷۳

۱-۱ _ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲-۲ _ همان.

۳-۳ _ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۴-۴ _ همان.

۵-۵ _ همان.

۶-۶ _ همان، ص ۱۳۹.

۷-۷ _ همان.

کرده و خود از خیل منتظران بود.

او عباد بن یعقوب رواجنی، متوفای ۲۵۰ ق. استاد بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزار و دیگر محدثان اهل سنت بود، که همه ی علمای رجال بر صداقت و وثاقت او تصریح کرده اند و از او روایت کرده اند که گفت:

هر کس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد علیهم السلام بیزاری نجوید، با آنها محشور می شود. (۱)

ذهبی از شاگردان او روایت کرده که وی شمشیری بالای سرش آویخته بود، از او پرسیدند که این شمشیر برای چیست؟ گفت:

آن را مهیا کرده ام که با آن در محضر حضرت مهدی علیه السلام شمشیر بزنم. (۲)

رواجنی که ۵ سال پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام وفات کرده، کتابی تألیف کرده و آن را: «اخبار المهدی المنتظر» نام نهاده است. (۳)

شیخ طوسی از کتاب او نام برده و تصریح کرده که وی از عامه بود. (۴)

آنچه از «رواجنی» نقل کردیم، منحصر به ایشان نیست، در میان بزرگان اهل سنت هستند کسانی که براءت از دشمنان اهل بیت را واجب می دانند و معتقد هستند که تولی و تبری جزء ایمان است.

فضل الله بن روز بهان، متوفای ۹۲۷ ق. در آخرین فراز از شرح صلوات چهارده معصوم خود می گوید:

ص: ۷۴

۱-۱ _ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۷.

۲-۲ _ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳-۳ _ زرکلی، الأعلام، ج ۳، ص ۲۵۸.

۴-۴ _ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۳، رقم ۵۴۲.

اللَّهُمَّ هُوَ لَاءَ أُمَّتُنَا وَ سَادَتُنَا وَ كِبْرَائِنَا، بِهِمْ نَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ نَنْتَبِرُ؛

بار خدایا! اینها پیشوایان، سروران و بزرگان ما هستند، که به آنها تولی می جوئیم و از دشمنان آنها بیزاری می جوئیم. (۱)

سپس ایشان به تفصیل پیرامون تولی و تبری از دیدگاه امامیه و عامه بحث کرده، در پایان گفته:

پس ظاهر شد که تولی و تبری به اتفاق فریقین جزو ایمان است. (۲)

وی برای اثبات وجوب تولی و تبری استناد کرده به حدیثی که بخاری با سلسله اسنادش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَ وَلَدِهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ؛

هیچیک از شما نمی تواند مؤمن باشد، تا هنگامی که من برای او از پدرش، فرزندش و همه ی مردمان محبوب تر باشم. (۳)

در پایان صیغه ی موالات و معادات را این گونه آورده:

اللَّهُمَّ وَ اَلِ مِنَ الْاِهْمِ وَ عَادِ مِنَ عَادَاهِمُ، وَ انصُرْ مِنَ نَصْرِهِمْ، وَ اخذلْ مِنَ خذلِهِمْ، وَ العنْ مِنَ ظلمِهِمْ، وَ عَجَلْ فرجَهُمْ، وَ اهلكْ عدوَهُمْ، مِنَ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ، بِرَحْمَتِكَ يَا ارحمَ الرَّاحِمِينَ.

سپس گفته: این است صیغه ی تولی و تبری. (۴)

روzbهان با استدلال ظریف به آیه ی: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» می گوید:

حق آن است که حضرت مهدی متولد شده و امروز موجود است. (۵)

ص: ۷۵

۱-۱ _ روزبهان، وسیله الخادم إلى المخدوم، ص ۲۹۹.

۲-۲ _ روزبهان، همان، ص ۳۰۱.

۳-۳ _ بخاری، الصَّحِيح، ج ۱، ص ۱۰.

۴-۴ _ روزبهان، همان.

۵-۵ _ همان، ص ۲۸۳.

در ادامه ی داستان اسماعیل هرقلی و شفا یافتن ایشان را به اعجاز حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، از اربلی نقل کرده (۱) در پایان می نویسد:

این فقیر را از شوق آن جمال، هنگام کتابت این حکایت، این غزل روی نمود:

در رهی دیدم مهی، حیران آن ما هم هنوز عمر رفت و من مقیم آن سر راهم هنوز

چون نسیم صبحگاهی بر من بی دل گذشت من نسیم وصل آن مه را هوا خواهم هنوز

می فزاید مهر او هر روز در خاطر مرا گرچه من کاهیده ام از درد می کاهم هنوز

گر چه آه آتشینم خرمن جان سوخته می رود تا اوج گردون آتش آهم هنوز

شوق آن دیدار، غافل کرده از عالم مرا تو نپنداری که من از خویش آگاهم هنوز

انتظار «شاه مهدی» می کشد عمری «امین» (۲) رفت عمر و در امید طلعت شاهم هنوز (۳)

برخی از این پیش شرط ها در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده، آنجا که فرموده:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، يَتَوَلَّى وُلِّيَّهُ، وَ

ص: ۷۶

۱-۱ _ اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۳ _ ۲۸۷.

۲-۲ _ امین، تخلص روزبهان است.

۳-۳ _ روزبهان، همان، ص ۲۹۴.

يَتَّبِعُوا مِنْ عَدُوِّهِ، وَيَتَوَلَّى الْأَعْتَمَةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ، أُولَئِكَ رُفَقَائِي وَذَوُو وُدِّي وَ مَوَدَّتِي، وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند، در حالی که پیش از قیام او از او پیروی کرده باشد، با ولی او دوست باشد و از دشمنش بیزاری جسته باشد و امامان هدایتگر پیش از او را ولی خود قرار داده باشد. اینان دوستان، محبان، صاحبان مودت من و گرامی ترین امت من در نزد من می باشند. (۱)

رئیس مذهب در همین رابطه فرمود:

مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛

هر کس مسرور باشد که از یاران قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار به تقوا و اخلاق نیکو متخلق باشد. (۲)

اگر مدعیان انتظار، با اوصاف یاد شده متصف نباشند، و در یک جمله:

خود صالح نباشند، با این انتظار رفع غربت از آن پیشوای مظلوم نخواهد شد و شب دیجور غیبت همچنان ادامه خواهد یافت.

مرحوم سید اسماعیل شرفی که از منتظران دلسوخته مولا بود، نقل می کرد که به عتبات عالیات مشرف شدم، در بالای سر سالار شهیدان که محل استجابت دعاست، از خداوند منان خواستم که دیدگانم را با جمال باهر النور آن امام نور منور فرماید.

ص: ۷۷

۱-۱ _ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۵۶، ح ۴۶۶.

۲-۲ _ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

در این اثنا طلعت جمال خورشید امامت طالع گشت، اگر چه من در آن لحظه آن حضرت را نشناختم، ولی احساس عجیبی به من روی داد، نزدیک رفتم، سلام کردم و عرضه داشتم: «شما کی هستید؟». فرمود:

أَنَا أَوَّلُ مَظْلُومٍ فِي الْعَالَمِ؛

من منظور حضرت را متوجه نشدم، خیال کردم از علمای نجف اشرف است، مورد توجه واقع نشده، و لذا خود را مظلوم جهان معرفی می کند، چون از دید گانم غایب شد، متوجه شدم که حاجتم روا شده، دعایم مستجاب گشته و نیم رخی از جمال عالم آرای آن امام غریب و مظلوم نصیبم شده است.

از دیگر پیش شرط ها کسب حلال، طعام حلال، اجتناب از لقمه ی حرام می باشد، که رئیس مذهب ما فرمود:

اگر یکی از شما بخواهد که دعایش مستجاب شود، کسب خود را پاکیزه قرار دهد، از مظالم عباد بیرون برود، که خداوند دعای کسی را که لقمه ی حرام در درونش باشد، یا مظلومه ی کسی بر گردنش باشد، مستجاب نمی کند. (۱)

سخن پایانی

در این نوشتار داستان بنی اسرائیل را نقل کرده، بررسی سندی نموده و وثاقت راوی آن را بیان کردیم، پیام های داستان را از کلام امام علیه السلام تقدیم نمودیم.

ص: ۷۸

در مورد انتظار، نقش انتظار، وجوب انتظار و جایگاه منتظران سخن گفتیم.

در مورد فرهنگ تحسس و پایه گذار آن، حضرت یعقوب علیه السلام و اماکن لازم برای جستجوی آن امام محبوب بحث کردیم.

پیش شرط های انتظار و عوامل تأخیر فرج سخن گفته، به این نتیجه رسیدیم که برای ظهور موفور السرور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه، وقتی تعیین نشده، این امت اسلامی است که می توانند احساس اضطرار نموده، به صورت دسته جمعی به درگاه حضرت احدیت روی آورده، برای تعجیل در امر فرج دعا کنند و ظهور را جلو بیندازند. و گرنه به منتهی الیه خود خواهد رسید.

ص: ۷۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

